



انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۵

شنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۳، ۸ فوریه ۲۰۲۴

کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی

کیوان جاوید

در معرفی "کنفرانس امنیتی مونیخ" گفته می‌شود این کنفرانس است که در زمینه سیاست‌های امنیت بین‌المللی فعالیت می‌کند. این همایش در ماه فوریه هر سال در مونیخ توسط یک شرکت خصوصی برگزار می‌شود. در کنفرانس مونیخ تصمیمی گرفته نمی‌شود و صرفاً ویژه اظهارنظر، رایزنی و دیدارهای سیاسی است. در این کنفرانس هر سال به طور ویژه به یک موضوع مهم امنیت بین‌المللی پرداخته می‌شود. کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۱۹۶۳ در اوج جنگ سرد و رقابت دو بلوک آمریکا و شوروی بنیان گذاشته شده است و تاکنون بی‌وقفه ادامه دارد.

بر سر زبان افتادن این کنفرانس در این روزها برای ایرانیان، خصوصاً در خارج به‌خاطر "دعوت از رضا پهلوی"، پس گرفتن این دعوت توسط وزارت خارجه و حالا دعوت مجدد از او در این کنفرانس توسط برگزارکنندگان آن است. در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۳، آبان ۱۴۰۱، مسیح علی‌نژاد و رضا پهلوی، در جلسات حاشیه این کنفرانس دیدارهایی با شرکت‌کنندگان داشتند و در کارگاه‌هایی در مورد مسائل ایران سخن گفتند.

در پی اهمیتی این کنفرانس همین‌قدر بگویم که کنفرانس امنیتی مونیخ دقیقاً بازتاب رقابت بلوک غرب علیه بلوک شرق بود و هرژمونی و رهبری سیاسی و اقتصادی آمریکا در این کنفرانس برای به‌خط کردن همه دولت‌های غربی بسیار محسوس و تعین‌کننده بود. حالا اما از طالبان تا حوثی‌های یمن و هر قدره‌بند سرکوجه، ساز خودشان را در دنیا می‌زنند و رهبری سیاسی آمریکا در دنیا باد هوایی بیش نیست. دنیای سرمایه‌داری فعلی نه‌تنها رهبر و خط و استراتژی واحدی ندارد؛ بلکه تا چشم کار می‌کند اختلاف سیاسی و تضاد اقتصادی و "جنگ تعرفه‌ها" و جنگ‌های محلی و کشوری و منطقه‌ای است.

دنیای ما در دست مشت‌قلیل از مولتی‌میلیاردها، در فقر و تباهی و ازبیر رفتن محیط‌زیست دست‌وپا می‌زند. در این دنیا حقوق بشر اصلاً جایی در تفکر و عمل دولت‌ها ندارد. به همین دلیل است که در چانه‌زنی‌های ترامپ با جمهوری اسلامی ما حتی یک کلمه از رعایت حقوق بشر- نمی‌شنویم؛ چون ترامپ معمار نابودی هر ذره از حقوقی است که به بشر مربوط می‌شود و دولت‌های اروپایی که بر اثر فشار انقلاب زن زندگی آزادی دو سال پیش در دفاع از حقوق بشر مردم ایران به صف شده و وکیل مدافع بسیاری از زندانیان سیاسی بودند حالا سرها را پایین انداخته‌اند و از جمهوری اسلامی می‌خواهند "در اوضاع منطقه موش ندوانند"، "صدور تروریسم را کنار بگذارند"، "گروگان‌های غربی را آزاد کنند". حقوق بشر-ته کاسه فشار به جمهوری اسلامی جا دارد و هر زمان که فشار مردم را حس کنند مجدداً روی میزشان باز می‌گردد.

ادامه در صفحه ۸

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۹ کمیته مرکزی حزب

کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در محکومیت مواضع فاشیستی ترامپ در مورد

مردم غزه

صفحه ۳

دونالد ترامپ، معامله با خامنه‌ای، هذیان

فاشیستی علیه آوارگان غزه

محسن ابراهیمی

صفحه ۴

درس‌های انقلاب شکست‌خورده ۵۷ برای انقلاب

زن، زندگی، آزادی

میزگرد با: حمید تقوایی، اصغر کریمی، کاظم نیکخواه

صفحه ۵

"بازندگان، جمهوری اسلامی و روسیه‌اند"

مصاحبه نشریه سوسیالیستی "کالدیراچ" در ترکیه با بهرام سروش

صفحه ۹

پریشان‌خواهی جمهوری اسلامی به دنبال شکست

طرح ارز "بریکس"

مهران محبی

صفحه ۱۳

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۴

اطلاعیه پایانی پلنوم ۵۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

کیان آذر دبیر سازمان جوانان کمونیست با اشاره به شرایط متحول ایران در هشت ماه گذشته که با آغاز جنگ حکومت علیه زنان، گسترش اعدام‌ها و درگیری‌های مستقیم جمهوری اسلامی و دولت اسرائیل، و حمله شدیدتر به معیشت مردم در سطح جامعه آغاز شد، جهت گیری و رئوس اقدامات سازمان جوانان کمونیست در این دوره را چنین برشمرد: تأکید بر گفتمان تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و فعال نگه داشتن تشکلهای دست‌اندرکاران و به‌ویژه نیروهای جوان پیش‌برنده آن برای پشت سر گذاشتن طوفان حملات رژیم به انقلاب؛ و ایجاد، گسترش و استحکام رابطه سیاسی و پراتیک میان این تشکلهای فعالین حول یک خط رادیکال و متحدکننده. او اضافه کرد که نمایندگی سیاسی جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان در متن انقلاب زن زندگی آزادی، دخالت در گفتمان‌های کلان سیاسی موجود، و تسریع روند پرورش و آموزش سیاسی و پراتیک کادرهای جوان کمونیست کارگری در داخل کشور از محورهای و اقدامات این دوره سازمان جوانان بوده است.

به دنبال این سخنرانی‌ها مسئولین کمیته‌های سازمانده، کردستان، آذربایجان، خراج کشور، سازمان جوانان، مدیر تلویزیون کانال جدید، مسئولین مالی و همین‌طور بیست نفر از مسئولین سایر ارگان‌ها و عرصه‌ها گزارش فشرده‌ای از حوزه فعالیت خود ارائه دادند و اعضای کمیته مرکزی و همین‌طور کادرها و اعضای شرکت‌کننده در پلنوم نقطه‌نظرات و پیشنهادات خود را برای بهبود و گسترش فعالیت حزب ارائه دادند. گزارش فعالیت‌های گسترده ارگان‌ها و فعالین حزب حاکی از یک حزب شاداب و دخالتگر و روبه‌رشد در داخل و خارج کشور بود.

در این پلنوم قرار دادی در مورد «سازماندهی اجتماعی» و قطعنامه‌ای تحت عنوان «زمین‌گیر شدن حکومت و فضای تعرضی جامعه» مورد بحث و تصویب قرار گرفت. پلنوم همچنین قطعنامه «جنبش بر سر معیشت و رفاه» که قبلاً در دفتر سیاسی تصویب شده بود را مورد تأکید و تأیید قرار داد. قرائت پیمای خطاب به مردم ایران و بیانیه‌ای در دفاع از جنبش علیه اعدام نیز اقدام دیگر این پلنوم بود.

در مبحث انتخابات ابتدا حمید تقوایی به‌عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و به دنبال آن ۲۵ نفر به‌عنوان اعضای دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند که عبارت‌اند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، پریسا پوینده، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، میثم عتیق، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزانه، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدل گلپریمان، نسان نودینیان، سمیر نوری، کاظم نیکخواه و بابک یزدی.

پلنوم با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی پایان یافت. او در این سخنرانی به مسئله رهبری انقلاب پرداخت و گفت گزارش‌های متعددی که در این پلنوم از حضور و فعالیت گسترده حزب در همه عرصه‌ها، از جنبش زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی تا جنبش زنان افغانستان، و از جنبش کارگران نفت و بازنشستگان و پرستاران با شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد تا جنبش علیه اعدام در داخل و خارج کشور ارائه شد نشان‌دهنده حضور فعال حزبی است که می‌تواند صفوف انقلاب را حول خواست‌ها و اهداف انسانی و جهان‌شمول متحد و منسجم کند و انقلاب را به پیروزی برساند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

پلنوم ۵۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۱ تا ۱۴ بهمن ۱۴۰۳ (۱ تا ۳ فوریه ۲۰۲۵) با حضور اعضا و مشاورین کمیته مرکزی برگزار شد. در این پلنوم که به‌صورت آنلاین -ویدئویی برگزار شد اعضا و کادرهای حزب نیز دعوت شده بودند. پلنوم با پخش سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع شد و بعد از سه روز بحث و تبادل نظر و تصمیم‌گیری‌های لازم با موفقیت به کار خود پایان داد.

حمید تقوایی لیبر حزب در سخنرانی افتتاحیه به پیام "ما همه با هم هستیم" در کنگره دوازدهم حزب که ۸ ماه قبل از آغاز انقلاب زن زندگی آزادی برگزار شد اشاره کرد و گفت آن پیام فراخوان همراهی و همبستگی به جامعه‌ای بود که چند ماه بعد یکپارچه و متحد در انقلاب زن زندگی آزادی به پا خاست و کل حکومت جمهوری اسلامی را به چالش کشید. او گفت امروز این همبستگی در هزاران جمع و تشکل و شبکه‌های مبارزاتی که در دل جنبش زن زندگی آزادی به میدان آمده‌اند تعیین یافته است و وظیفه امروز حزب همراه و متحد و همبسته کردن هرچه گسترده‌تر و مستحکم‌تر این نهادها و دست‌اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی و جنبش‌های اعتراضی در داخل و خارج کشور است.

به دنبال تصویب آیین‌نامه و دستور جلسات، اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی حزب گزارشی از موضع‌گیری‌ها و رویکرد حزب در این دوره و فعالیت حزب در داخل و خارج کشور ارائه داد. گزارش ارگان‌ها، فونکسیون‌ها و کارزارهای مختلف قبل از پلنوم به اعضا و مشاورین کمیته مرکزی ارسال شده بود. رئیس هیئت اجرایی حزب بر صحت و استحکام مواضع سیاسی، رویکرد اجتماعی و پراتیک گسترده حزب در داخل و خارج کشور تأکید کرد. این مجموعه هم به تقویت جنبش‌های اعتراضی و هم به تحکیم رابطه حزب با فعالین جنبش‌های مختلف منجر شده است. او به‌ویژه به نقش کمیته سازمانده و سازمان جوانان در داخل کشور که به‌طور قابل‌توجهی گسترش یافته‌اند و به تشکیلات خارج کشور حزب، کانال جدید و به کارزارهای گسترده علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی، جنبش علیه اعدام و آزادی زندانیان سیاسی اشاره کرد. همچنین به بهبود قابل‌توجهی که در فعالیت تشکیلات کردستان حزب ایجاد شده است. او از فعالین حزب در داخل و خارج کشور که با فعالیت شبانه‌روزی خود از یکطرف به تحکیم اتحاد میان فعالین زن زندگی آزادی و شکل دادن یا تقویت ظرف‌های مبارزاتی و از طرف دیگر گسترش نفوذ سیاسی و تشکیلاتی حزب مشغول‌اند از جانب حاضرین در پلنوم حزب قدردانی نمود.

حسن صالحی رئیس دفتر سیاسی حزب در سخنرانی خود ضمن اشاره به حضور فعال حزب در جنبش‌های اجتماعی و جبهه‌های مختلف نبرد علیه جمهوری اسلامی در ایران، از جنبش کارگری و معلمان و بازنشستگان تا جنبش دفاع از حقوق زنان و کودکان و جنبش علیه اعدام و جنبش ضد‌مذهبی، گفت حزب عملاً نشان داده است که نیروی دلسوز و مؤثری است که برای تقویت و پیشروی همه این جنبش‌ها تلاش می‌کند. این حضور فعال در عین حال این امکان را به وجود آورده که در رابطه‌ای دوطرفه میان مردم و فعالین حزب، حزب به‌عنوان نیروی متحدکننده انقلاب و قابل‌اعتماد به مردم شناخته شود. وی در پایان سخنان خود تأکید کرد که این تنها حزب کمونیست کارگری است که می‌تواند به تفاوت طبقاتی در جامعه پایان دهد و کارگران را از چنگال فقر و تنگدستی نجات دهد چرا که نیروهای راست همگی در فکر استثمار بیشتر کارگران و قربانی کردن زندگی آنها در خدمت منافع سرمایه‌داری هستند.

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

در محکومیت مواضع فاشیستی ترامپ در مورد مردم غزه

یکم را! حتی خود ترامپ هم می‌داند که تصرف یک سرزمین امری نیست که با ادعا و مذاکره و معامله صورت بپذیرد. برای خالی کردن غزه از دو میلیون سکنه آن سرزمین و به تملک درآوردن آن باید لشکر کشید و حمله نظامی کرد و همه می‌دانند دولت آمریکا، بعد از تجربه شکست‌خورده حمله به افغانستان و عراق، در موقعیتی نیست که جنگ دیگری را، آن‌هم در منطقه بی‌ثبات خاورمیانه، آغاز کند.

هدف ترامپ هم اساساً عملی کردن این ادعاها و مواضع جنجالی نیست، بلکه تحت‌الشعاع قراردادن راه‌حل دو دولت، یعنی تنها امکان حل عادلانه مسئله فلسطین و تأمین ثبات و آرامش در منطقه است. اما از این نظر هم غوغاسالاری ترامپ نتیجه معکوس خواهد داشت. تا همین‌جا دولت‌های اروپایی و منطقه‌ای بار دیگر در پاسخ به ترامپ به راه‌حل دو دولت تأکید کرده‌اند و حتی دولت عربستان سعودی از ضرورت به رسمیت‌شناسی اورشلیم شرقی به‌عنوان پایتخت فلسطین صحبت می‌کند.

با این‌همه نفس اظهارات و مواضع فاشیستی ترامپ در مورد مردم غزه، هر اندازه هم که غیرعملی باشد، می‌تواند به تنش بیشتری در خاورمیانه دامن بزند و به بحران خاورمیانه دامنه و عمق بیشتری ببخشد. از این رو لازم است این اظهارات فاشیستی از جانب نیروهای مترقی و آزادی‌خواه دنیا جواب محکم و کوبنده‌ای بگیرد. حزب کمونیست کارگری اظهارات و مواضع آشکارا فاشیستی و سلطه‌گرانه ترامپ را قاطعانه محکوم می‌کند و همه نیروها و احزاب آزادی‌خواه را به حمایت از مردم فلسطین و حق پایهای آنان به زندگی در سرزمین خود و برخورداری از دولت مستقل خود فرا می‌خواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

دونالد ترامپ در مصاحبه مطبوعاتی که بعد از ملاقات و مذاکره‌اش با نتانیاهو برگزار شد اعلام کرد که دولت آمریکا مالکیت غزه را در دست خواهد گرفت و آنجا را به یک منطقه تفریحی مانند ریویرا تبدیل خواهد کرد. او گفت مردم غزه برای همیشه به دیگر کشورها منتقل می‌شوند و غزه مسکن مردم جهان خواهد شد. او ادعا کرد که این پیشنهاد مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفته و دولت عربستان اعلام کرده است که طرف‌دار شکل‌دادن به یک کشور فلسطینی نیست.

این اظهارات و مواضع ناگهانی و غیرمترقبه ترامپ، با مخالفت نمایندگان حزب دموکرات که اظهارات ترامپ را مصداق پاک‌سازی قومی خواندند، و حتی مخالفت بخشی از حزب جمهوری‌خواه در آمریکا، و همچنین با مخالفت قاطع تقریباً همه دولت‌های غربی و منطقه‌ای، روبرو شد. تنها بخشی از راست‌های افراطی دولت اسرائیل از این مواضع حمایت کردند. حتی نتانیاهو که در کنفرانس مطبوعاتی حضور داشت صریحاً از مواضع ترامپ دفاع نکرد؛ بلکه تنها با احتیاط اعلام کرد که او خواهان ختم سلطه حماس است و نظرات ترامپ کل مسئله را در سطح دیگر و خارج از چارچوب همیشگی مطرح می‌کند.

بعد از این اظهارات دولت‌های مصر و اردن بار دیگر اعلام کردند که پناهندگان فلسطینی از نوار غزه را نخواهند پذیرفت و دولت عربستان که ترامپ مشخصاً از آن به‌عنوان دولت موافق مواضع خود نام برده بود، به فاصله کوتاهی بعد از این کنفرانس مطبوعاتی در یک بیانیه رسمی اعلام کرد که هیچ راه‌حلی را به‌جز به رسمیت‌شناسی حق مردم فلسطین بر سرزمینشان به رسمیت نمی‌شناسد.

ادعاهای پرسروصدا و در عین حال توخالی و غیرعملی ترامپ جزئی از روش جنجال و غوغاسالاری او است که اساساً به منظور انحراف ذهن از مسائل واقعی ابراز می‌شود. این ادعای ترامپ را همان قدر باید جدی گرفت که ادعای او مبنی بر الحاق کانادا به آمریکا به‌عنوان ایالت پنجاه و



کل هزینه ماشین دولتی و ارتش و سیستم اداری بورژوازی، کل هزینه نهادهای ایدئولوژیکی و فرهنگی جامعه بورژوازی و خرج خیل عظیم کسانی که از طریق این نهادها قدرت بورژوازی را حفظ و حراست می‌کنند، از همین منبع (یعنی با کار کارگر) تأمین می‌شود. طبقه کارگر با کار خود خرج طبقه حاکمه، خرج انباشت روزافزون سرمایه و هزینه سلطه سیاسی و فرهنگی و فکری بورژوازی بر خود و بر کل جامعه را می‌پردازد.

(از برنامه یک دنیای بهتر)



محسن ابراهیمی

دونالد ترامپ، معامله با خامنه‌ای، هذیان فاشیستی علیه آوارگان غزه

آمریکا تجسم تمام‌عیار موقعیت بحرانی و بن‌بست کل نظام اسلامی است. بحران و بن‌بستی که با نظام اسلامی متولد شده است و با مرگ این نظام پایان خواهد یافت.

هذیان فاشیستی ترامپ در باره آوارگان غزه

در جریان دیدار با نتانیا‌هو، دونالد ترامپ در مقابل چشمان حیرت‌زده مردم جهان وانمود کرد که دو ماه تمام در فکر آوارگان غزه خوابش نمی‌برده و بالاخره راهی برای نجاتشان پیدا کرده است! طرحش برای غزه و آوارگان غزه چیست؟ آمریکا، یعنی او و هم‌طبقه‌ای‌های مولتی‌میلیاردرش مالک غزه خواهند شد؛ آنجا را پاک‌سازی خواهند کرد؛ هزاران شغل ایجاد خواهند کرد و غزه را به منطقه ساحلی تفریحی، جایی شبیه ریویرای ایتالیا تبدیل خواهد کرد!

مردم آواره غزه کجا می‌روند؟ برای آنها قطعه زمین‌های مناسبی در گوشه‌وکنار جهان پیدا خواهد کرد؛ با پول زیاد برایشان خانه‌های زیبا خواهد ساخت؛ آوارگان غزه در آن قطعه زمین‌ها در خانه‌های خوب شاد خواهند بود، لذت خواهند برد، تیر نخواهند خورد، کشته نخواهند شد و دیگر هرگز نخواهند خواست به غزه برگردند! این یعنی کوچ اجباری نزدیک دو میلیون انسان. یعنی پاک‌سازی جمعیتی همدست جنایت‌کارش قبلاً آواره کرده است. یعنی جنایت علیه بشریت.

وقتی پرسیدند چه کسانی در آن ساحل تفریحی ساکن خواهند شد؟ جواب ساده بود. بسیار ساده: "مردم جهان"! منظورش از مردم قاعدتاً مولتی‌میلیاردهای جهان، پول‌دارهای جهان است که در کنار لاس‌وگاس آمریکا و ریویرای ایتالیا، ساحل تفریحی جدید و زیبایی برای لذت‌بردن از زندگی خواهند داشت. ساحلی که در آن ترامپ بسازنیفروش بر روی ویرانه‌های باقیمانده از بمباران ارتش نتانیا‌هو، کازینوها، هتل‌ها، زمین‌های گلف و برج‌های مجلل ساخته است. ویرانه‌هایی که زمانی سرپناه انسان‌ها بوده است، ویرانه‌هایی که هنوز اجساد کشته‌شده‌ها زیرش دفن هستند!

دونالد ترامپ هم مولتی‌میلیاردر است. هم در رأس قدرتمندترین کشور جهان سرمایه‌داری لم داده است. هم یک دروغگوی قهار است آن‌چنان که می‌تواند در باره دروغ‌های قبلی‌اش هم دروغ بگوید. هم عادت دارد ۲۴ ساعته فرمان اجرایی برای پابمال کردن حقوق انسان‌ها صادر کند. هم یک فاشیست است که اگر فضا پیدا کند که نمی‌کند کمتر از هیتلر و موسلینی نیست. هم یک سایکوپث است. هم یک شیاد است. هم هذیان‌گوست و در عین حال یک مشنگ تمام‌عیار هم هست و به دلیل تجمیع همه این مشخصات در کالبدش، این موجود اگر مهار نشود، برای جامعه، برای طبیعت، برای آب‌وهوا، برای گیاهان زبان‌بسته، برای حیوانات و حیات‌وحش می‌تواند بسیار خطرناک باشد.

چرندیات ترامپ در باره آینده غزه و آوارگانش، علی‌رغم تبه‌کارانه و جنایت‌کارانه بودنش، آن‌چنان مضحک است که از همان لحظه خروج از دهانش با طوفان جوک و طنز و تمسخر و کاریکاتور استقبال شد. اما در عین حال صرف چنین اظهاراتی نشان می‌دهد که از لجن‌زار سرمایه‌داری چه اعجوبه‌هایی با چه افکار پلیدی می‌توانند بیرون بیابند. افکاری که حتی اگر یک هزارمش عملی شود، دنیا به منجلابی خونین تبدیل می‌شود. افکاری که نباید بگذاریم حتی یک گام هم در جهت عملی شدن بردارد.*

دیدار دونالد ترامپ و نتانیا‌هو در کاخ سفید، فرمان‌ها و اظهارات و پاسخ‌های او در حاشیه این دیدار به سؤالات خبرنگاران در باره مذاکره با جمهوری اسلامی و آینده غزه، واکنش خامنه‌ای و حکام اسلامی در ایران به اظهارات ترامپ، مترتبات کافی به دست می‌دهد که نتیجه بگیریم جهان سرمایه‌داری دنیا را با سر به قعر نابودی می‌برد و برای افسار زدن به این روند، یک مقاومت و مبارزه سازمان‌یافته، هم‌بسته و گسترده جهانی، بیش‌ازپیش ضروری و حیاتی است.

سیاست چماق و هویج ترامپ و سرگردانی خامنه‌ای

دونالد ترامپ در دیدار با نتانیا‌هو بار دیگر در یک‌دست هویج و در دست دیگر چماق به سراغ خامنه‌ای رفت. برای نشان دادن هویج، اعلام کرد که دنبال یک توافق هسته‌ای "خوب" است و خواهان رشد صلح‌آمیز و شکوفایی ایران با "همین رهبری" است. او همراه با هویج، گوشه‌ای از چماقش را هم نشان جمهوری اسلامی داد: دستورالعمل سیاست "فشار حداکثری" با هدف به صفر رساندن صادرات نفت ایران را امضا کرد. اعلام کرد که باید از دسترسی "ایران" به سلاح هسته‌ای و موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای جلوگیری کرد. اعلام کرد که باید حمایت حکومت اسلامی از گروه‌های تروریستی هم متوقف شود.

اینها سیاست جدیدی نیستند. همان سیاست دوره اول ترامپ هستند که تکرار می‌شوند. این بار البته به‌خاطر وضعیت درهم‌شکسته جمهوری اسلامی در ایران و در منطقه، سمبه ترامپ پرزورتر است. به‌هرحال، مسئله این است که دقیقاً به‌خاطر موقعیت شدیداً تضعیف شده جمهوری اسلامی، دونالد ترامپ توپ را به زمین علی خامنه‌ای غلت داده است!

توپ در زمین جمهوری اسلامی است؛ اما هم مری‌گیج‌تر و درمانده‌تر از گذشته است، هم بازیکنان آشفته‌تر و نگران‌تر از گذشته. حکام اسلامی از هر باند و دسته و جناحی واقعاً نمی‌دانند چه کار کنند؟ ادامه رجزخوانی‌ها؟ تسلیم کامل؟ تسلیم در عین رجزخوانی؟ همه با هم، یعنی هیچ کدام؟

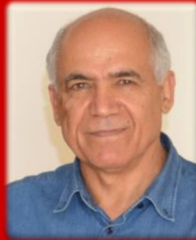
حکومت اسلامی در باره نوع رابطه با آمریکا مدت‌هاست در میان ایدئولوژی و دیپلماسی سرگردان بوده است. اگر حفظ نظام "اوجب واجبات" است، اگر شیخ سرنگونی همچنان بالای سر نظام اسلامی می‌چرخد، چه باید کرد؟ باید همچنان به ارکان ایدئولوژیک - سیاسی شکست‌خورده چسبید؟ یا برعکس، باید ایدئولوژی را در پیشگاه "دیپلماسی" قربانی کرد که چیزی نیست جز تسلیم کامل "نایب امام" در مقابل "شیطان بزرگ"؛ دست کشیدن از پروژه زیرزمینی ساخت سلاح هسته‌ای و ساختن موشک‌های بالستیک، کنار گذاشتن فکر بازسازی تنه نیروهای نیابتی و همه اینها یعنی به‌جا آوردن یک نماز میت دیگر این بار بر سر جنازه ارکان ایدئولوژیک - سیاسی نظام.

همین وضعیت است که خامنه‌ای را مجبور کرده است بعد از دیدار ترامپ و نتانیا‌هو باز هم پشت‌کوارو بزند. او که چندی پیش حاضر شده بود با آمریکا حتی "معامله" کند، این بار اعلام کرد اصلاً "با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد. مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست."

سیاست دوبله و سرگردانی و پشت‌کوارو زدن‌های خامنه‌ای در قبال

درس‌های انقلاب شکست خورده ۵۷ برای انقلاب زن، زندگی، آزادی

میزگرد با: حمید تقوایی، اصغر کریمی، کاظم نیکخواه



مردم کردستان در مقابل حکومت اسلامی، گسترش و بسط نفوذ سازمان‌ها و نشریات چپ و آزادی‌خواه که در مقابل جمهوری اسلامی از اهداف و خواست‌های انقلابی مردم حمایت می‌کردند، شکل‌گیری یک جنبش مقاومت سراسری در دانشگاه‌ها، و کلاً جنب‌وجوش جامعه‌ای که بعد از کنار زدن سلطنت، خواهان تحقق اهداف و آرمان‌های انقلابی خود بود، همه‌وهمه بیانگر انقلابی بود که نه تنها به حکومت اسلامی تن نمی‌داد؛ بلکه فعال و پیگیر و در یک سطح گسترده به مقابله با آن برخاسته بود.

جمهوری اسلامی تنها بعد از قریب به دو سال و نیم، آن هم به کمک معرکه سفارت‌گیری، جنگ با عراق و نهایتاً با تیغ کشیدن بروی جامعه در ۳۰ خرداد ۶۰ و اعدام‌های گسترده در دهه ۶۰، توانست انقلاب را سرکوب نماید و قدرت جهانی خود را تثبیت کند. ضدانقلاب اسلامی در واقع تداوم ضدانقلاب سلطنتی برای مهار جامعه‌ای بود که می‌خواست دیکتاتوری و بی‌حقوقی و فقر را ریشه کن کند. دقیقاً به خاطر این پتانسیل زیرورکننده انقلاب ۵۷ بود که دولت‌های غربی که ماهیت چپ و رادیکال انقلاب ۵۷ را تشخیص داده بودند، در کنفرانس گوادلوپ تصمیم گرفتند نیروهای اسلامی را به جلو برانند. خمینی را به فرانسه بردند و زیر نورافکن قرار دادند و عکسش را در ماه انداختند و در مقابله با انقلاب مردم، تحولی را معماری کردند که به سلطه هارترین و ضد انسانی‌ترین دیکتاتوری که جامعه ایران به خود دیده است منجر شد.

انترناسیونال: راست‌های سلطنت‌طلب، کمونیست‌ها و چپ‌ها را مقصر سرنگونی شاه و به قدرت رسیدن خمینی معرفی می‌کنند و از همین حالا اعلام کرده‌اند اگر به قدرت برسند با چپ‌ها تسویه حساب می‌کنند و حتی وعده محاکمه و زندانی کردن چپ‌ها را هم داده‌اند و از اعدام آنها هم اینجا و آنجا حرف می‌زنند. این ارزیابی سلطنت‌طلب‌ها در تحلیل شما چه جایی دارد؟

اصغر کریمی: می‌توان چشم‌ها را بست و همه حقایق مربوط به دوران سلطنت را نادیده گرفت و هر تحلیل و تبیینی ارائه داد. آنوقت چنین تبیینی چیزی جز یک پروپاگاندا سطحی و بی‌مایه نخواهد بود. می‌توان نارضایتی یک جامعه چند دهه‌میلیونی و یک انقلاب توده‌ای را به نارضایتی خمینی و یک قشری ربط به جامعه نسبت داد و یا کمونیست‌ها را مسئول سرنگونی شاه و به قدرت رسیدن جریان اسلامی معرفی کرد و از هر نوع برخورد جامعه‌شناسانه و علمی خودداری کرد. گویی مردم نه به استبداد و بی‌حقوقی اعتراض داشتند، نه به فساد دربار، نه فقر و شکاف طبقاتی. گویی مردم طرفدار ساواک و ثابتی و شکنجه و اعدام و خفقان بودند و انقلاب نه محصول شرایط حاکم بر جامعه بلکه حاصل تصمیم و اراده عده‌ای بود. چنین تحلیل‌هایی یک شاهی ارزش ندارد. صاحبان این تبیین‌ها در واقع با صراحت دارند جامعه آینده مطلوب خود را ترسیم می‌کنند و مخالفین چنین جامعه‌ای را از

این روزها در ایران همه، از راست و چپ و جمهوری اسلامی در مورد انقلاب ۵۷ حرف می‌زنند. به این دلیل سراغ سه تن از اعضای رهبری حزب کمونیست کارگری رفتیم که "تصادفاً" هر سه از زندانیان سیاسی رژیم شاه بودند.

انترناسیونال: ۴۶ سال از سالگرد انقلاب ۵۷ می‌گذرد. جمهوری اسلامی آن را پیروزی انقلاب می‌نامد و به آن اسم انقلاب اسلامی داده است. بسیاری از رسانه‌ها و صاحب‌نظران و حتی افکار عمومی در ایران و جهان نیز تحولی که در ۵۷ رخ داد را انقلاب اسلامی می‌نامند؟ آیا با این نام‌گذاری موافقید؟

حمید تقوایی: این نام‌گذاری یا از سر سطحی‌نگری و ناآگاهانه است و یا امری آگاهانه است برای پوشاندن حقیقت. بخشی از مردم و برخی رسانه‌ها جزء گروه اول‌اند و دولت‌ها و صاحب‌نظران و اتاق‌های فکر آنان در زمره گروه دوم. اما حقیقت آن است که آنچه در ۵۷ اسلامی بود ضدانقلاب بود و نه انقلاب. مردم، مانند امروز، برای در هم شکستن اختناق و دیکتاتوری و آزادی و رهایی به‌پا خاسته بودند. انقلاب با اعتراضات خارج از محدوده‌نشینان علیه مأموران شهرداری که با بولدوزر آلودک‌هایشان را بر سرشان خراب می‌کردند و با شب‌های شعر اعتراضی در دانشگاه‌ها شروع شد و با اعتصاب کارگران نفت و نهایتاً با قیام ۲۲ بهمن که علی‌رغم خواست و تلاش‌های خمینی و دار و دسته‌اش شکل گرفت، توانست طومار نظام سلطنتی را در هم بپیچد. اما انقلاب به‌هیچ‌وجه با قیام بهمن متوقف نشد. هنوز یک ماه از سرنگونی رژیم سلطنتی نگذشته بود که تظاهرات گسترده‌ای علیه حجاب اجباری در تهران شکل گرفت با شعار "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم". این شعار به شکل نمادینی نشان‌دهنده واقعیت مهمی در مورد مضمون و اهداف انقلاب و همچنین نیروی اسلامی مدعی رهبری آن بود. این واقعیت که انقلاب ۵۷ حرکتی به‌پیش بود برای آینده‌ای بهتر و برعکس، اسلامیون به قدرت رسیده، نیروی ارتجاعی بودند برای به عقب کشیدن جامعه.

همانطور که امروز مبارزه زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی از صرف حق آزادی پوشش و حتی رفع تبعیض جنسیتی فراتر می‌رود و نشانه عمق انسانی و رهایی‌بخش انقلاب جاری علیه کل نظام جمهوری اسلامی است، اولین اعتراض توده‌ای زنان علیه حجاب نیز بیانگر مضمون و اهداف پیش‌رو و مترقی، و تداوم انقلاب ۵۷ علیه حکومت نوبایی بود که در واقع برای مقابله با این اهداف به قدرت رانده شده بود.

اعتراضات و مقاومتی که بعد از خیزش زنان در اسفند ۵۷ علیه حجاب شکل گرفت به روشنی نشان می‌دهد که خمینی و اسلامیون تازه به قدرت رسیده نه تنها ربطی به اهداف و خواست‌های انقلابی مردم نداشتند؛ بلکه در نقطه مقابل آن بودند. تشکیل شوراهای در کارخانه‌ها و دانشگاه‌ها و بخش‌های دیگر از جامعه، تظاهرات و تجمعات کارگران در بخش‌های مختلف به‌ویژه اعتراضات کارگران بیکار، مقاومت مسلحانه

همین‌الان سزواران زندان و اعدام می‌دانند. این اوج بی‌ریطی و فاصله این جماعت از جامعه است.

اینها نه احتیاج به تبیین جامعه‌شناسانه و علمی دارند نه توان چنین تبیینی، نه به فاکت‌های تاریخی احتیاج دارند و نه به حتی قانع کردن کسی. پایه اجتماعی اینها به‌ویژه در دو سال گذشته به مشتی چاقوکش و شعبان بی‌مخ محدود شده و اینها به استدلال و منطق احتیاج ندارند. چماق لازم دارند! آیا این جماعت شعور بالای یک جامعه به‌پاخاسته را نمی‌شناسند؟ چرا به‌خوبی می‌شناسند. شعور جامعه و تجارب بالای سیاسی مردم به‌ویژه هزاران فعالی که نقشی اساسی در شکل‌دادن به فضای سیاسی جامعه و متشکل کردن مردم دارند، را می‌شناسند؛ اما خود را در مقابل اینها شکست‌خورده می‌بینند. از نفرت مردم از هر نوع ساواک و سرکوب و بی‌حقوقی و از هر نوع حکومت از بالای سر مردم اطلاع دارند و به همین دلیل است که به تهدید و لمپن‌بازی و فحاشی روی آورده‌اند. شکست‌های سیاسی پی‌درپی در طول سالیان گذشته، شکست انواع نهادهای پایه‌ای که ساختند و نگرفت، تاکتیک‌های سیاسی که اتخاذ کردند و نگرفت، ناتوان از شکل‌دادن به حتی یک سازمان کوچک جدی و ریزش سریع حامیان و هواداران خود و طیفی که بالقوه نیروی آنها بودند به‌ویژه به دنبال انقلاب زن، زندگی، آزادی، آنها را بیشتر به یک جریان فحاش و لمپن و مرگ بر چپ و مجاهد و هر کس که با آنها نیست تبدیل کرد. از خواننده‌های محبوب و خوشنام انقلاب تا خواننده‌های مانند پرستو احمدی یا زنان زندانی یا حتی نویسندگانی که منقد زمان شاه بوده مورد خشم و فحاشی اینها قرار دارند. اینها نشانه آشکاری از انزوای سیاسی اینها و دلیل تهدید و فحاشی‌شان است. آش آن‌قدر شور شده که دیگر تفاوتی میان سایبری‌های رژیم و فعالین سلطنت‌طلب دیده نمی‌شود.

اما اینکه اینها امروز هر اتفاقی را به کمونیست‌ها نسبت می‌دهند دقیقاً به این علت است که کمونیسم امروز یک نیروی قدرتمند سیاسی و پخته و کارآزموده است. اینها خود در هیچ کارزاری علیه اعدام یا برای آزادی زندانیان سیاسی و یا تجمعات اعتراضی مردم علیه فقر و محرومیت نقشی ندارند، در هیچ تشکل مبارزاتی یا در هیچ بیانیه مبارزاتی که توسط هزاران نفر از فعالین و تشکل‌ها منتشر می‌شود حضور ندارند و می‌دانند و می‌بینند که سرخ بسیاری از کمپین‌ها و گفت‌وگوها سازی‌ها دست کمونیست‌ها است. در نتیجه کمونیست‌ها بیشتر از هر کس دیگر آماج حملات این جماعت‌اند.

انترناسیونال: می‌گویند به شاه باید فرصت داده می‌شد که جبران کند. خود شاه با مشاهده تظاهرات مردمی در مقابل صحنه تلویزیون قرار گرفت و گفت صدای انقلاب را شنیده است. ساواک، این نیروی مخوف امنیتی را منحل کرد، زندانیان سیاسی مرحله‌به‌مرحله آزاد شدند. حتی هویدا را به‌عنوان مسبب گرانی‌ها و بحران اقتصادی به زندان انداخت. آیا لازم نبود به شاه فرصت داده می‌شد. یادمان باشد او یک فرد لیبرال، شاهپور بختیار، را به نخست‌وزیری برگزید. آیا بهتر نبود چپ‌ها پشت بختیار باشند تا رژیم اسلامی به قدرت نرسد؟

کاظم نیکخواه: شاه نزدیک چهل سال فرصت داشت. این همه سال برای شنیدن صدای مردم کافی نبود؟ بلکه وقتی که در سال ۵۷ دستگاہ حاکم فهمید که توان مقابله با انقلاب مردم را ندارد شروع به عقب‌نشینی‌هایی کرد که بعضی را شما اشاره کردید. اما آن زمان دیگر بسیار دیر شده بود. آیا همین امروز اگر جمهوری اسلامی در برابر مردم عقب‌نشینی‌هایی بکند باید ساکت شویم و به آن فرصت بدهیم که به

حکومتش ادامه دهد؟ طرف‌داران حکومت عیناً این را از مردم می‌خواهند. مردم هزار بار حق داشتند یک‌ذره به حکومتی که جز خفقان و چپاول و یکه‌تازی ساواک و دیکتاتوری برای آنها به ارمان نیاورده بود، اعتماد نداشته باشند. مردم می‌خواستند از فقر و خفقان و سلطه یک‌مشت اشرف و دریاری از خودمتشکر و انحصارگر خلاص شوند. از نظر همه مردم اگر به چنین حکومتی فرصت داده می‌شد باز هم به همان روال دیکتاتوری و حتی انتقام‌گیری از مردم بازمی‌گشت. تجربه پنجاه سال سلطنت پهلوی این ارزیابی را کاملاً تأیید می‌کند.

کلاً این نوع بحث‌ها از جانب مدافعان سلطنت و جریان‌ها راست مطرح می‌شود. عده‌ای هم البته از سر نفرت از جمهوری اسلامی و ناآگاهی از منطق مبارزه و انقلاب به دنبال آن می‌افتند. در انقلاب و هر جنگ و مبارزه‌ای، هرکس که در لحظه عقب‌نشینی دشمن، فرمان عقب‌نشینی متقابل بدهد، بازنده است و نشان می‌دهد که هیچ‌چیز از مبارزه نفهمیده است. بلکه روی کار آمدن بختیار پرچم تسلیم توسط محمدرضا شاه بود. مردم به خیابان آمده بودند که شاه را سرنگون کنند. چرا باید با اولین عقب‌نشینی حکومت به خانه می‌رفتند؟ برعکس می‌بایست جلوتر می‌رفتند. می‌بایست محکم فریاد مرگ بر شاه سر می‌دادند که دادند. اینکه خمینی توانست سکان را به دست بگیرد و حکومت صمدبار سرکوبگری چون جمهوری اسلامی را سر کار بیاورد، به این دلیل نبود که مردم به بختیار و شاه فرصت ندادند و در برابر حکومت عقب ننشستند. بلکه برعکس به این دلیل بود که به اندازه کافی جلو نرفتند و کل سنت‌ها و پایه‌ها و ارزش‌های این حکومت را مورد تعرض قرار ندادند. سنت‌هایی مثل مذهب رسمی، عدم آزادی بیان و حق تشکل، بی حقوقی احزاب، انحصارگری یک اقلیت اشرفی و حکومتی، شکاف عمیق طبقاتی. اینها پایه‌های حکومت پهلوی بود و انقلاب این‌ها را به‌خوبی نمی‌شناخت و به طور همه‌جانبه مورد تعرض قرار نداد. چپ جامعه با دفاع از آزادی زنان، اداره شورایی، و آزادی بیان به درجه‌ای تلاش کرد که وارد این عرصه از جدال بشود و جریان اسلامی را عقب بزند. دو سال اول بعد از سرنگونی شاه صحنه جدال میان چپ و راست بود. اما خمینی به‌قدرت‌رسیده بود و به دلیل ده‌ها سال خفقان آریامهری بر خلاف دوره کنونی و وجود حزبی عمیق و آگاه و با برنامه روشن مثل حزب کمونیست کارگری، چپ آن زمان توان رادیکالیسم و بنیه کافی برای عقب زدن اسلامی‌ها را نداشت و بعد از دو سال جنایت و جنگ و سرکوب، جمهوری اسلامی توانست خود را روی خون و آتش سرپا نگه دارد.

انترناسیونال: چرا در ایران سال ۵۷ انقلاب شد. آیا "سرعت مدرنیسم" زیاد بود و "جامعه سنتی" آن دوره تحمل این همه پیشرفت را نداشت؟ آیا شاه به دلیل در افتادن با آمریکا بود که مورد غضب قرار گرفت؟ به‌هرحال این تبلیغات، با همه ساده‌انگاری، توسط راست‌های سلطنت‌طلب به‌سوی جامعه پرتاب می‌شود. بسیاری معتقدند اگر جمهوری اسلامی جایگزین حکومت شاه نمی‌شد حالا ما با جامعه‌ای مرفه‌تر، آزادتر و در رابطه بهتر با دنیا روبرو بودیم؟ با بروز مشکلات اقتصادی داخلی، دنیای غرب به کمک اقتصاد ایران می‌شتافت، جنگ ایران و عراق اتفاق نمی‌افتاد و تروریسم جمهوری اسلامی منطقه را به آتش نمی‌کشید و غیره. چطور می‌توان علی‌رغم این واقعیات از انقلاب ۵۷ در مقابل ادعاها و تبلیغات جمهوری اسلامی و سلطنت‌طلب‌ها دفاع کرد؟

حمید تقوایی: جامعه ایران از انقلاب مشروطه که جنبش عظیمی علیه استبداد قرون‌وسطایی قاجار و خواهان عدالت‌خانه و قانون اساسی‌ای مانند قانون اساسی بلژیک بود تا امروز که پرچم اولین انقلاب زنان تاریخ را برافراشته، میل عمیق خود را به مدرنیسم و تمدن غربی نشان داده است. خیزش‌های اجتماعی سده اخیر ایران همه مبین همین جهت‌گیری و میل عمیق توده مردم به مدنیت و مدرنیسم و فرهنگ پیشرو است. در مقابل، این

روند و نتایج این تحولات عمیق برخاسته از شرایط عینی هر دوره تأثیر ندارد.

تا آنجا که به احزاب و نیروهای سیاسی مربوط می‌شود اعلام موضع در مورد گذشته در واقع موضع‌گیری در مورد تحولات حاضر است. نیروهای اپوزیسیون سلطنتی که انقلاب ۵۷ را اشتباه و توطئه غرب علیه شاه و غیره می‌دانند، همانطور که امروز بر همه عیان شده است، در برابر انقلاب زن، زندگی، آزادی نیز ایستاده‌اند. اما هر نظری در مورد انقلاب ۵۷ داشته باشیم یک چیز مسلم است: جامعه ایران را نمی‌توان به عقب برد، چه ۱۴۰۰ سال و چه ۴۶ سال! آنان که گذشته را بمردم وعده می‌دهند آینده‌ای ندارند.

انترناسیونال: "وارث تاج‌وتخت؟! رضا پهلوی می‌گوید می‌تواند رهبر دوران انتقالی بشود تا جمهوری اسلامی سرنگون شود بعد از آن برنامه‌های فراوانی دارد که ایران آباد شود و با دنیا رابطه برقرار شود. او دقیقاً چه می‌خواهد و عملکردش تاکنون چه بوده؟

اصغر کریمی: کسی یا جریانی می‌تواند رهبر دوران انتقالی بشود که در دوران قبل از انتقال، رهبر جایی بوده باشد. حضور محسوسی در اعتراضات مردم داشته باشد، نقش قابل‌توجهی در متحد کردن مردم و فعالین داشته باشد، پرچم خواست‌های متحدکننده مردم را بلند کرده باشد. رضا پهلوی هیچ‌کدام از اینها را در کارنامه‌اش ندارد. نه خودش و حامیانش نقشی. در اعتراضات هر روزه مردم دارند و نه هیچ خواست متحدکننده‌ای را مطرح کرده است. برعکس ایشان خواهان حفظ سپاه و بسیج و اسلام است. این تمایلات درست نقطه مقابل خواست و اراده مردم است. ایشان موفقیتی در پرونده‌اش ندارد؛ ولی به اندازه کافی شکست دارد. ریاست شورای ملی را چند سال به عهده داشت؛ اما به خاطر ناکامی‌اش استعفا داد. ققنوسی درست کرد؛ اما یک روز هم دوام نیاورد. حامی جریان دست راستی فرسگرد شد؛ اما نه فرسگرد اقبالی کسب کرد نه ایشان از قبل آن به جایی رسید. طرح وکالت راه انداخت آن‌هم شکست خورد. منشور جورج تاون هم که چند هفته بیشتر طول نکشید و با افتضاح مواجه شد و معلوم شد رضا پهلوی هم آرمان‌ها و پلاتفرم‌هایش علیه مردم و تفرقه‌انگیز است هم خودش. وقتی با دیگران کارش به جایی نرسید ثابتی، از رؤسای ساواک و شکنجه را رونمایی کرد و همسرش با شعار مرگ بر سه مفسد فعال شد. نقش چماق‌داران رضا پهلوی را نیز در پاسخ به سؤال قبلی توضیح دادم.

نکته مهم دیگر این است که اینها همراه با حمله به کمونیست‌ها انقلاب را هم هر نوع انقلابی راه، لعن و نفرین می‌کنند، از جمله انقلاب علیه جمهوری اسلامی را یعنی تنها راهی که قرار است جمهوری اسلامی سرنگون شود. جمهوری اسلامی با کودتا و رژیم‌چنج و دخالت نظامی سرنگون نمی‌شود. با انقلاب توده‌ای سرنگون می‌شود و انقلاب نیروهای انقلابی را به جلو صحنه می‌آورد نه نیروهای مخالف انقلاب را.

خلاصه کنم با برآمد انقلاب زن، زندگی، آزادی نیروهای رادیکال بیشتر جلو صحنه آمدند، در نتیجه جامعه بیشتر با امثال رضا پهلوی فاصله گرفت و رضا پهلوی و موقعیت رضا پهلوی با سرعت بیشتری تضعیف شد. اما هنوز یک راه مقابل او مانده است. بندوبست با بخشی. از سپاه و بخشی از حکومت. تقابل رضا پهلوی و حامیانش با مخالفین جمهوری اسلامی که در همسویی آشکاری با جمهوری اسلامی قرار گرفته است را باید از این دریچه نگاه کرد. او وامانده از جلب توجه فعالینی که صرف‌نظر از تفاوت‌های فکری و ایدئولوژیک در داخل و خارج کشور به مبارزه علیه جمهوری اسلامی مشغول‌اند، بیشتر به نیروهایی از داخل حکومت فکر می‌کند تا نیروهای بیرون حکومت. دست‌کشیدن از ائتلاف با نیروهای مخالف حکومت و متمایل شدن بیشتر به

سپاه و نیروهایی از حکومت. حکومت نیز

نظام‌های استبدادی سلطنتی با اتکا به مذهب و آخوندها، از شیخ فضل‌الله نوری در انقلاب مشروطه تا آیت‌الله کاشانی در جنبش ملی کردن صنعت نفت و تا خمینی در انقلاب ۵۷ بوده‌اند که در برابر حرکت جامعه به سوی یک نظام مدرن مدنی ورها شده از سلطه شاه و آخوند و تابوی "خدا شاه مهین" ایستادگی می‌کردند. انقلاب ۵۷ به این دلیل شکل گرفت که جامعه تاب تحمل نه مدرنیسم بلکه دیکتاتوری سلطنتی را نداشت. انقلاب ۵۷ را نه خان‌ها و ملاکین ضد اصلاحات ارضی که خمینی آنها را نمایندگی می‌کرد، بلکه توده کارگران و دهقانان از هستی ساقط شده‌ای رقم زدند که جز بی حقوقی و فقر و سرکوب نصیبی از اصلاحات ارضی نداشتند. اگر جمهوری اسلامی اختناق سیاسی شاهنشاهی را به بی حقوقی اجتماعی و به خصوصی‌ترین زوایای زندگی مردم بسط داد این خود حاصل اختناق بود که در تمام دوره پهلوی کوچک‌ترین حرکت و تشکل و اعتراض پیشرو و مترقی را با شدیدترین سرکوب‌ها پاسخ داده بود. عروج اپوزیسیون ارتجاعی شاه در انقلاب ۵۷ حاصل ناگزیر سرکوب سیستماتیک نیروهای اپوزیسیون مترقی به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد بود. خود حکومت شاه خالق خمینی و اپوزیسیون ارتجاعی ای بود که از رانت مذهبی برخوردار بودند. مذهب و سلطنت گاه در اپوزیسیون و گاه در کنار، و همواره عملاً دست در دست همدیگر، جامعه را به صلابه کشیده‌اند و همواره، از انقلاب مشروطه تا امروز، گرایش عمومی جامعه به مدرنیسم و مدنیت و فرهنگ و مناسبات پیشرویی که در غرب نمایندگی می‌شود، توده مردم را در مقابل ارتجاع سلطنتی و مذهبی هر دو قرار داده است.

به نظر من انقلاب ۵۷ هم علیه نظام سلطنتی بود و هم در ادامه خود علیه جمهوری اسلامی. انقلاب در یک سال اول، از شورش خارج از محدوده‌نشینان در اواخر سال ۵۶ تا قیام بهمن ۵۷ علیه نظام سلطنتی بود و در دو سال و نیم بعد، از خیزش زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ تا سرکوب ۳۰ خرداد ۶۰، علیه جمهوری اسلامی. امروز انقلاب زن، زندگی، آزادی در واقع عروج و نقطه اوج خیزش انقلابی‌ای است که با جنبش زنان در اسفند ۵۷ کلید خورد.

این تداوم را در برخورد ضد انقلابیون امروز و دیروز نیز می‌توان ردیابی کرد. جمهوری اسلامی انقلاب زن، زندگی، آزادی را فتنه می‌نامد و سلطنت‌طلبان انقلاب ۵۷ را! سلطنت‌طلبان سیاست‌های آن روز دولت آمریکا را علت انقلابی که آنان را به زیر کشید می‌دانند و جمهوری اسلامی سیاست‌های امروز دولت آمریکا را علت انقلاب امروز. آنچه ارتجاعیون دیروز و امروز فتنه می‌نامند در واقع فریاد جامعه به تنگ آمده‌ای است که از مقطع انقلاب مشروطه تا امروز خواهان آزادی و رفاه و برابری و برخورداری از زندگی در خورشان انسان بوده است. بله، اگر خمینی و دار و دسته‌اش به قدرت نمی‌رسیدند فاجعه جمهوری اسلامی اتفاق نمی‌افتد همانطور که اگر کودتای ۲۸ مرداد نمی‌شد اختناق آریامهری بر جامعه مسلط نمی‌شد و یا اگر کودتای رضاخانی آخرین آثار انقلاب مشروطه را از جامعه نمی‌زدود و مجلس را به فرمالیته تبدیل نمی‌کرد هیچ یک از این اتفاقات نمی‌افتاد.

اما تاریخ را با حدس و گمان نه می‌توان توضیح داد و نه از آن درس گرفت. مردمی که علیه حکومت شاه به پا خاستند علیه شرایطی قیام کردند که دیگر توان تحمل آن را نداشتند، همانطور که جامعه امروز ایران دیگر تاب تحمل جمهوری اسلامی را ندارد. انقلاب یک پدیده عینی است که در میل عمیق جامعه به رهایی و آزادی ریشه دارد. قضاوت امروز ما در مورد انقلاب ۵۷ همانطور که قضاوت آیندگان در مورد انقلاب جاری، بر



کنفرانس امنیتی مونیخ و هیاهوی رضا پهلوی
از صفحه نخست

درس‌های انقلاب شکست‌خورده ۵۷ برای انقلاب زن، زندگی، آزادی
از صفحه ۷

در این شرایط رضا پهلوی فریادش به آسمان بلند شده است که "وا مصیبتا" دعوت از "من شاهزاده" را در کنفرانس مونیخ با فشار وزارت امور خارجه آلمان لغو کرده‌اند و امروز معلوم شد که مجدداً ایشان در جلسات جنبی این کنفرانس باز هم می‌تواند کنفرانس مطبوعاتی بگذارد. تا بگوید من آلترناتیو هستم؛ من می‌توانم رهبر دوره انتقال باشم؛ من می‌توانم کاری کنم که در ایران انقلاب نشود و در عوض سپاه و بسیج و نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و بخش قابل‌ملاحظه‌ای از دست‌اندرکاران این حکومت با کمترین دردسر به نظام بعدی که تشکیل خواهد شد بپیوندند. رضا پهلوی آدمی نیست که سر سوزنی برای حق مردم و حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و رهایی و آزادی و رفاه و برابری مردم اهمیت قائل باشد. این را سلطنت‌طلب‌ها طی این دو سال گذشته در خارج کشور بیشتر از هر زمان دیگر به‌خوبی نشان دادند که در آرزوی احیای ساواک‌اند و قول سرکوب و زندان و حتی اعدام مخالفین سلطنت بعد از به‌اصطلاح به‌قدرت‌رسیدن را می‌دهند. آرزوی عبث.

اگر رضا پهلوی کسی و کاره‌ای بود باز می‌شد گفت باشد می‌رود در کنفرانس بی‌عمل و بی‌دروپیکر مونیخ دوکلمه حرف حساب می‌زند، اما او این کاره نیست او در بهترین حالت می‌تواند دنباله‌رو فاشیستی چون ترامپ باشد که شمشیر روی انسانیت کشیده است و معمار بزرگ پیمان‌کننده حقوق بشر در آمریکا و همه جای جهان است.

درعین حال که حضور در کنفرانس و مجامع بین‌المللی مهم است؛ اما باید توجه داشته باشیم که قدرت ما مردم از خیابان‌های ایران، اعتصابات و اعتراضات، سازماندهی مبارزات مدنی برای رسیدن به یک جامعه انسانی، مقابله با مذهب و اسلام به طور خاص و مبارزه تا در هم شکستن این مناسبات بردواری است که فقر و رنج و نابرابری اقتصادی و دیکتاتوری را تقدیس و از آن پاسداری می‌کند. قدرت ما در داخل و خارج ایران تکیه‌زدن به این نیروی اجتماعی عظیم است؛ قدرت ما تکیه‌زدن به نیروی انقلابی حزب کمونیست کارگری است که می‌تواند جامعه را برای نابودی حکومت اسلامی متحد کند و سازماندهی دنیایی باشد پُر از رفاه و برابری و خوشبختی و آزادی. با شناخت از این حقیقت، ما می‌توانیم و وظیفه داریم در هر نشست و کنفرانسی که انزوای جمهوری اسلامی را تسهیل می‌کند و به انقلاب مردم ایران علیه رژیم اسلامی کمک می‌کند، با سری افراشته حضور به هم می‌رسانیم. رضا پهلوی نه تنها جایی در این مبارزه ندارد، بلکه تماماً سد این راه است.*

چه خرافات مذهبی و چه مقدسات ناسیونالیستی ربطی به خواسته‌های مردم ندارد. مردم، همانطور که انقلاب زن زندگی آزادی اعلام کرده است، از نظر رفاهی، از نظر آزادی‌های مدنی و غیره خواستار حقوق مسلم انسانی خودشان هستند و همیشه با پرچم ناسیونالیسم و مذهب، با شعار "خدا شاه میهن" سرکوب شده‌اند. در واقع می‌توان گفت که از نظر مقدسات و تابوهای ملی میهنی - مذهبی جمهوری اسلامی و سلطنت کنار هم هستند، و گرچه تأکیدات متفاوتی دارند، یکی بیشتر بر مذهب تأکید دارد و دیگری بر ناسیونالیسم، ولی در اساس یک خط را نمایندگی میکنند.
(حمید تقوایی: روسیه، جمهوری اسلامی و ۷ مساله سه جزیره)

می‌داند که تنها جریانی که ظرفیت آلوده کردن فضای مبارزاتی و تضعیف اپوزیسیون انقلابی را دارد رضا پهلوی و دستیاران لمپن او هستند و ارتش سایبری در ابعاد وسیعی وارد ائتلاف غیررسمی با آنها شده است و آنها را باد می‌زند و فضا را مسموم می‌کند. این همسویی و ائتلاف غیررسمی تنها راه مقابل رضا پهلوی برای حضور در صحنه است. راهی که بیش از پیش به انزوا و رسوایی او منجر می‌شود. ستاره اقبال او مدت‌ها است افول کرده است. او قرار نیست به جایی برسد که به آباد شدن ایران کمک کند. آینده ایران را انقلاب و نیروهای انقلابی رقم خواهند زد.

انترناسیونال: شما امروز موقعیت چپ در جامعه ایران را اجتماعاً چطور می‌بینید، حزب کمونیست کجای این تصویر قرار می‌گیرد؟

کاکظم نیکخواه: من اوضاع کنونی جامعه را از این نظر بسیار مساعد می‌بینم. وقتی از چپ صحبت می‌کنیم، بحث اساساً بر سر یک سری سیاست‌ها، سنت‌ها، ارزش‌ها و خواسته‌هاست که در تشکلهای و احزاب مختلفی نمایندگی می‌شود. در جامعه امروز ایران تمام سیاست‌هایی که چپ و مشخصاً حزب کمونیست کارگری نمایندگی می‌کند می‌شود گفت وسط خیابان است و به یک نیروی اجتماعی تبدیل شده است. امروز در جامعه بخش عظیمی از مردم به مذهب می‌توان گفت از همان زاویه کمونیست‌ها نقد دارند. یعنی آن را ابزار دزدی و چپاولگری یک اقلیت مفت‌خور می‌دانند. این نقد منحصربه‌فرد کمونیست‌هاست. جنبش علیه اعدام بسیار گسترده است و یک شعار شناخته شده آن همان است که ما سال‌ها تأکید کرده‌ایم که اعدام قتل عمد دولتی است. دفاع از آزادی‌های بدون قیدوشرط سیاسی، آزادی احزاب و تشکلهای، حق تشکل و اعتصاب، و آزادی بیان بسیار در جامعه جاافتاده است. برابری زن و مرد، حقوق کودک، درمان رایگان، آموزش رایگان، حمله به سرمایه‌داران مفت‌خور، تعرض به امتیازات طبقاتی یک اقلیت، دفاع از رفاه همگانی، رفع استثمار و بسیاری از جنبه‌های دیگر در شعارهای کارگران و بازنشستگان و پرستاران و معلمان فریاد زده می‌شود و در بیانیه‌ها و سخنرانی‌ها بیان می‌شود. خیلی از افراد این‌ها را مواردی عادی و ساده می‌بینند. بله اینها در این جامعه عادی است. اما به همین دلیل بسیار شغف‌انگیز و هیجان‌انگیز است. اینکه در مبارزات اجتماعی مردم دارند وسیعاً علیه امتیازات طبقاتی و سرکوب و خفقان و بی حقوقی زنان و کودکان با بیان روشن و شفاف شعار می‌دهند، بیانیه‌های بسیار عمیق می‌دهند، سخنرانی می‌کنند و تبلیغات می‌کنند، بیانگر فضای چپ و خودآگاه جامعه است و این بیانگر جایگاه قدرتمند چپ جامعه است. بی‌دلیل نیست که جریان‌های راست و سلطنت طلب این چنین علیه کمونیست‌ها کف بر دهان آورده‌اند.

ما به‌عنوان حزب کمونیست کارگری در ایجاد و تقویت این فضا بسیار نقش داشته‌ایم و داریم. اما بیشتر از آن خود منطبق مبارزه طبقاتی کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و مردم با سیستم چپاولگر و سرکوبگر حاکم است که خیلی از این سیاست‌های رادیکال و چپ را مطرح کرده و جلو آورده است. حزب کمونیست کارگری یک نیروی اجتماعی غیرقابل‌انکار در جامعه است. اما هنوز برای وصل شدن به این دریای خودآگاهی اجتماعی و شکل دادن به آینده‌های انسانی و مرفه در جامعه، فاصله زیادی دارد که باید تلاش کنیم آن را هرچه سریع‌تر پرکنیم و جلوتر برویم.



“بازندگان، جمهوری اسلامی و روسیه‌اند” مصاحبه نشریه سوسیالیستی “کالدیراچ” در ترکیه با بهرام سروش عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

سؤال: تشدید تنش‌ها و جنگ‌هایی که هر چه بیشتر خصلت جهانی به خود می‌گیرند را چگونه می‌بینید؟ نظراتان درباره تحولات در اروپای شرقی، در شرق و در آسیای جنوب شرقی، در خاورمیانه، آفریقا و سایر نقاط جهان چیست؟

بهرام سروش: این البته سؤال وسیع و جامعی است، بنابراین در اینجا تنها می‌توانم بر روی تخصصات اصلی تمرکز کنم و نظرم را درباره روندهای کلی بگویم. دو منطقه اصلی جنگ در حال حاضر، قطعاً خاورمیانه و اوکراین - روسیه هستند.

در اوکراین ما شاهد تقابل غرب و روسیه هستیم که جدی‌ترین و خونین‌ترین تقابل پس از پایان جنگ سرد است. برخلاف بسیاری از دیگر جنگ‌ها، در اینجا حتی تلاشی ظاهری برای پایان دادن به این خونریزی مشاهده نمی‌شود. این جنگ صرفاً یک رقابت بین روسیه و غرب بر سر حوزه‌های نفوذ است که یادآور خاطرات جنگ سرد است. این جنگی ارتجاعی است که سرانجام آن از نظر هر کدام، چیزی جز پیروزی کامل تعریف نمی‌شود. اما علی‌رغم قیل و قال‌های جنگی، فکر نمی‌کنم هیچ‌یک از طرفین آن قدر دیوانه باشند که آن را بیشتر از این گسترش بدهند، مثلاً با پذیرش عضویت اوکراین در ناتو از طرف غرب، درحالی که جنگ ادامه دارد، یا با ورود مستقیم دول متحد روسیه در جنگ. هم‌اکنون نشانه‌هایی از هر دو طرف برای مذاکره و تلاش جهت توافقات مشاهده می‌شود، مثلاً ادعای ترامپ برای پایان دادن به جنگ هنگامی که به ریاست جمهوری برسد و پاسخ مثبت اخیر پوتین به پیشنهاد میانجیگری اسلواکی. چنین توافقاتی می‌تواند اشکالی مانند حفظ بخشی از مناطق الحاق شده توسط روسیه و حفظ نفوذ سیاسی و نظامی غرب در اوکراین به صورت عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا در آینده (چیزی که آن را "امنیت برای اوکراین" می‌نامند) یا توافقاتی نظیر آن به خود بگیرد.

جنگ در خاورمیانه جبهه اصلی دیگری از نبرد میان نیروهای ارتجاعی منطقه‌ای، یعنی دولت اسرائیل با حمایت غرب، از یک طرف، و جریان‌های اسلامی مانند حماس و حزب الله لبنان با حمایت حکومت اسلامی در ایران، از طرف دیگر است. در دل این جنگ، موقعیت دردناک مردم فلسطین و ستم تاریخی‌ای که بر آنان رفته قرار دارد، رنج و ستمی که هر یک از طرفین از آن برای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود استفاده می‌کنند. در یک طرف، دولت راست‌گرای اسرائیل و نسل‌کشی‌اش علیه مردم فلسطین، به شکل کشتار ده‌ها هزار نفر از مردم غیرنظامی، از جمله تعداد زیادی کودک، و ویران کردن خانه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس و زمین‌های بازی بچه‌ها قرار دارد. در طرف دیگر، جریان ارتجاعی اسلام سیاسی، به شکل حماس در غزه، حزب الله در لبنان و دیگر نیروهای اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی. جریان‌های اسلامی، درست مانند دولت نتانیاهو، مخالف راه‌حل دو دولتی برای مردم فلسطین هستند و از رنج مردم فلسطین برای رسیدن به اهداف سیاسی ارتجاعی خود بهره‌برداری می‌کنند. مردم فلسطین برای اینکه شانس‌شان برای آزادی و زندگی در یک دولت مستقل سکولار داشته باشند، ابتدا باید همه این نیروهای ارتجاعی را کنار بزنند. با شکست حماس و رژیم حامی آن در ایران، نیروهای پیشرو و چپ در اسرائیل فضای بیشتری برای مقابله با راست‌گرایان در اسرائیل که از بهانه وجود جریان‌های اسلامی در فلسطین نیرو می‌گیرند، خواهند

یافت. تنها از طریق چنین تحولاتی است که امکان عملی ایجاد یک دولت فلسطینی پیشرو و سکولار در کنار اسرائیل که از چنگال نیروهای مذهبی ارتجاعی در هر دو طرف رها شده‌اند، می‌تواند به وجود بیاید. دورنمای سقوط جمهوری اسلامی که به دنبال نابودی نفوذ منطقه‌ای آن و نیروهای نیابتی‌اش و بحران‌های عمیق داخلی‌اش، هر چه نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، چشم‌انداز آزادی مردم فلسطین را تسریع خواهد کرد.

جنگ‌ها و درگیری‌های جاری را می‌توان به‌عنوان ماحصل رقابت‌ها و تقابل‌های عمیق‌تری بین قدرت‌ها و بلوک‌های اقتصادی و سیاسی اصلی جهان، مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، چین، روسیه و غیره که خطر جنگ‌های جهانی فاجعه‌بارتر را افزایش می‌دهند، تفسیر کرد، گرچه هر جنگ معین دلایل خاص‌تر و مشخص‌تر خود را دارد. آیا ما داریم به‌سوی جهانی خطرناک‌تر که مشخصه‌اش جنگ‌ها و مناقشات از طرف قدرت‌های سرمایه‌داری و امپریالیستی، به دنبال رقابت بر سر منابع، بازارها و حوزه‌های نفوذ، است، می‌رویم؟ شاید. اما، جهان صرفاً عرصه مانورها و رقابت‌های قدرت‌های بورژوازی نیست، و آن‌ها قطعاً تنها بازیگران آن نیستند. در کنار جنگ‌ها و مناقشات ارتجاعی، ما همچنین شاهد اعتراضات طبقه کارگر و بشریت تحت ستم برای جهانی بهتر هستیم. در کنار نژادپرستی، عوام‌فریبی و انواع ایدئولوژی‌های ارتجاعی، ما همچنین شاهد خواست آزادی، برابری و سوسیالیسم، به‌عنوان تنها پاسخ به فقر، نابرابری، بی‌حقوقی و بربریتی که سرمایه‌داری بر جهان تحمیل کرده است، هستیم. به‌عنوان متأخرترین نمونه که در سوریه دیدیم، علی‌رغم وحشی‌گری که مردم سوریه چه زیر سلطه حکومت بشار اسد (با حمایت روسیه و جمهوری اسلامی) و چه در دست داعش و سایر نیروهای اسلامی متحمل شده‌اند، مردم سوریه در صفوفی هزاران نفره به خیابان می‌آیند تا اعتراض خود را علیه هرگونه طرح برای ایجاد یک دولت اسلامی اعلام کنند و خواستار سکولاریسم، آزادی و برابری زنان شوند. حرکات دولت‌ها و نیروهای بورژوازی نه در خلأ، بلکه بر متن و متأثر از جدال‌های وسیع‌تر طبقاتی و اجتماعی که ویژگی دائمی جوامع سرمایه‌داری هستند و در نهایت سرنوشت آن‌ها را تعیین می‌کنند، رخ می‌دهد. البته، پیروزی در این مبارزات، خودبه‌خودی به دست نمی‌آید و نیاز به تلاش‌های آگاهانه انقلابیونی دارد که خود را در رأس این مبارزات قرار داده‌اند.

سؤال: باتوجه به سقوط رژیم بعث اسد در سوریه، خلأ قدرت در آن کشور و تأثیرات آن بر منطقه، به نظر شما چه اتفاقی افتاده است، چه خواهد شد، و برندگان و بازندگان چه کسانی هستند؟

بهرام سروش: بازندگان اصلی پس از سقوط حکومت اسد، قطعاً روسیه و جمهوری اسلامی هستند. رژیم اسد، بزرگ‌ترین هم‌پیمان جمهوری اسلامی بود که یک کانال برای حمایت حکومت از نیروهای نیابتی‌اش در غزه و لبنان، به اصطلاح "محور مقاومت"، فراهم می‌آورد. جمهوری اسلامی یک دولت ایدئولوژیک است که تمام هویت خود را بر تقابل با اسرائیل و آمریکا به‌عنوان دشمنان اصلی خود بنا کرده است. گسترش حضور سیاسی و نظامی آن حکومت در منطقه از طریق نیروی قدس (شاخه خارجی نیروی سپاه پاسداران) از طریق حمایت از نیروهای اسلامی در غزه، لبنان، عراق و یمن، بخشی از این استراتژی و توجیه ایدئولوژیک است.

در عین حال، حکومت اسلامی هیچ‌گاه نمی‌تواند امیدوار باشد بدون تغییراتی اساسی در ایدئولوژی‌اش (اسلام سیاسی و ضدآمریکایی‌گری) و شیفتی کامل به طرف غرب، در جرگه غرب ادغام شود. این معضلی است که حکومت اسلامی از آغاز خود با آن مواجه بوده است. اسلام‌گرایی و خصومت با غرب بخشی از هویت ایدئولوژیک و سیاسی حکومت اسلامی است. اما کوچک‌ترین تغییر در اینها آغازگر حرکتی دومینویی در رژیم خواهد بود که در نهایت به انحلال آن منجر می‌شود. کلاً گذشته از این، باید به‌خاطر داشته باشیم که خطر اصلی‌ای که جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند، نه خارجی، بلکه داخلی است: از سوی مردمی که برای سرنگونی کامل حکومت مبارزه می‌کنند. تحولات اساسی پیش رو، به نظر من، در اینجا رخ خواهند داد. شکست‌های رژیم در منطقه و انزوای بین‌المللی آن این فرآیند را تسریع می‌کند.

سؤال: آینده مقاومت فلسطینی و مسئله مردم فلسطین را چگونه ارزیابی می‌کنید، مردمی که یکی از ستم‌دیده‌ترین ملت‌ها در سطح ملی - فرهنگی - انسانی در منطقه هستند؟

بهرام سروش: از زمان تأسیس دولت اسرائیل، مردم فلسطین از موقعیتی انسانی محروم بوده‌اند. دولت اسرائیل همواره از ستم تاریخی بر یهودیان برای توجیه ستم بر فلسطینی‌ها استفاده کرده است. به‌ویژه، راست‌گرایان مذهبی در اسرائیل مخالف تشکیل یک دولت فلسطینی مستقل بوده و خواستار نابودی کامل فلسطینی‌ها بوده‌اند. در تاریخ معاصر، به‌ویژه پس از به‌قدرت‌رسیدن جمهوری اسلامی در ایران، جنبش ارتجاعی اسلامی در خاورمیانه از مسئله فلسطین و ظلم‌هایی که مردم فلسطین متحمل شده‌اند، برای اهداف ارتجاعی خود بهره‌برداری کرده است. هیچ‌کدام از طرف‌های این درگیری - دولت راست‌گرای اسرائیل و اسلام‌گرایانی مانند حماس و جهاد اسلامی - خواهان حل مسئله فلسطین نیستند. در واقع، موجودیت سیاسی آن‌ها و رشدشان بستگی به این دارد که مسئله فلسطین حل نشده باقی بماند. مرتجعین در هر دو طرف این جدال از یکدیگر تغذیه می‌کنند، درحالی‌که مردم فلسطین قربانی این وضعیت هستند.

حماس در تلاش برای تضعیف و تخریب پروسه "توافقات ابراهیم" و نزدیکی فزاینده بین دول عربی و اسرائیل، در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حمله‌ای تروریستی علیه شهروندان عادی اسرائیلی سازمان داد که طی آن تعداد زیادی را کشته و افراد بی‌گناهی را (که بسیاری از آنان جوانان اسرائیلی حامی امر مردم فلسطین بودند) به گروگان گرفت. برای حکومت به همان درجه تروریست نتانیاها، این حمله یک مائده آسمانی و فرصت تاریخی‌ای بود که به آن اجازه داد تا جنگ نسل‌کشی خود را علیه فلسطینی‌ها آغاز کند.

تهاجم نسل‌کشانه حماس به مردم اسرائیل نسل‌کشی رژیم نتانیاها در غزه را توجیه نمی‌کند. جنگ با حماس توجیهی برای کشتن هزاران فلسطینی به‌ازای هر تک عضو حماس نیست. این ادعا، چه درست و چه نادرست، مبنی بر اینکه حماس از مردم عادی که در مدارس، بیمارستان‌ها و مساجد پناه گرفته‌اند، به‌عنوان "سپر انسانی" استفاده می‌کند، توجیهی برای کشتن هزاران شهروند بی‌گناه که بسیاری از آن‌ها سالمندان و کودکان‌اند، و تبدیل خانه‌ها و زیرساخت‌های مدنی و اجتماعی‌شان به خرابه نیست. در جنگ نسل‌کشی رژیم نتانیاها علیه فلسطینی‌ها که با حمایت و توجیه جنایت‌کارانه غرب با صرف میلیاردها دلار پول و سلاح و ادعای ریاکارانه "حق اسرائیل برای دفاع از خود" همراه است، انسانیت قربانی اصلی بوده است.

راه‌حل عملی برای مسئله فلسطین، راه‌حل دو دولت است: تشکیل یک دولت سکولار فلسطینی در کنار یک اسرائیل سکولار. اولین شرط دستیابی به این هدف، همان‌طور که گفتم، پس‌زدن و به‌حاشیه‌راندن راست‌مذهبی در

"بازندگان، جمهوری اسلامی و روسیه‌اند"

از صفحه ۹

مردم سوریه، البته از رهایی از حکومت سرکوبگر اسد که با کمک جمهوری اسلامی و روسیه در سال ۲۰۱۱ انقلابشان را غرق در خون کرد، خوشحال‌اند. با این حال، مردم سوریه به‌درستی از گروه‌های اسلامی همچون هیئت تحریر شام که ریشه در القاعده و داعش دارد، هراس دارند. اعتراضات در سوریه علیه ایده یک دولت اسلامی گواه وجود یک حرکت قدرتمند میان مردم سوریه برای سکولاریسم و آزادی‌های سیاسی است.

دولت ترکیه که در پی اهداف ارتجاعی خود، کمک کرد هیئت تحریر شام به قدرت برسد، یک برنده واضح است که سیاست گسترش مداخلات نظامی خود در شمال و شرق سوریه، چه به‌طور مستقیم و چه از طریق نیروهای نیابتی‌اش مانند ارتش ملی سوریه، را دنبال می‌کند.

دولت اسرائیل، گرچه به دلیل عدم اطمینان از آنچه که ممکن است به دنبال سقوط اسد پیش بیاید، فراخوان‌دهنده سقوط رژیم اسد نبود، پس از سرنگونی حکومت اسد، به‌سرعت به نابودکردن امکانات و توانایی‌های نظامی سوریه پرداخت و اشغال بلندی‌های جولان را گسترش داد. در عین حال، احمد الشرح، رهبر هیئت تحریر شام و دولت موقت تحت رهبری این گروه، تلاش کرده است تا به اروپا و آمریکا اطمینان دهد که علی‌رغم اینکه جریانی برخاسته از او با مشخصات القاعده و داعش است، تهدیدی برای منافع غرب نخواهند بود. این آن اطمینان‌خاطری است که غرب می‌جوید، و نه اینکه این نیروی ارتجاعی، در صورتی که موفق به شکست مقاومت مردم سوریه و تثبیت و تحکیم خود شود، خطری برای مردم سوریه و زندگی و آزادی‌های آن نخواهد بود.

به نظر من، سقوط رژیم اسد آخرین و مهلک‌ترین شکست برای حکومت اسلامی ایران بود که سرنوشت آن را تعیین خواهد کرد. همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، با سقوط اسد و پس از شکست‌های حماس و حزب‌الله، آنچه که به اصطلاح "محور مقاومت" نامیده می‌شد در هم شکست. این رویداد، در کنار بحران شدید اقتصادی و سیاسی در داخل کشور و مردمی بی‌قرار و درگیر مبارزه که در جست‌وجوی کوچک‌ترین شکاف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها در حکومت برای خیزشی مجدد و سرنگونی آن هستند، جمهوری اسلامی را در خطرناک‌ترین موقعیت خود قرار داده است.

سؤال: ما شاهد درجه بالایی از تنش بین اسرائیل و ایران، موجی از حملات متقابل و سیگنال‌های جالبی از صهیونیست‌ها هستیم. در عین حال، تبلیغات علیه ایران در رسانه‌های غربی ادامه دارد. آیا فکر می‌کنید داریم به یک حمله امپریالیستی به ایران نزدیک می‌شویم؟ یا پیش‌بینی می‌کنید که حاکمان ایران در نهایت خود را به پروسه "مصالحه" با تهدید امپریالیستی تحت رهبری اسرائیل - آمریکا - بریتانیا وفق می‌دهند؟

بهرام سروش: با توجه به آسیب‌پذیری و موقعیت به‌شدت تضعیف شده جمهوری اسلامی، هرگونه "مصالحه" با غرب در واقع دیکته‌کردن شرایط دولت‌های غربی به جمهوری اسلامی خواهد بود. این به‌طور مثال می‌تواند خواست برچیدن کامل برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در قبال لغو هر مقدار از تحریم‌ها باشد. گرچه امکان حملات نظامی از طرف اسرائیل یا آمریکا به اهدافی در ایران را نمی‌توان منتفی دانست، اما از نظر من، جنگی تمام‌عیار با ایران بعید است. استراتژی غرب در قبال جمهوری اسلامی این است که آن را مهار کند تا دیگر تهدیدی برای منافع آن‌ها در منطقه نباشد. اگر جمهوری اسلامی مجبور به فعالیت در چهارچوب منافع غرب و اسرائیل شود، غرب چه‌بسا می‌تواند با آن همکاری کند.

"بازندگان، جمهوری اسلامی و روسیه‌اند"

از صفحه ۱۰

هر دو طرف این مناقشه است. البته، حق تشکیل یک دولت فلسطینی هنوز به معنای آزادی واقعی و پایان نابرابری‌های طبقاتی نیست. برای این امر نیاز به پیشرفت طبقه کارگر و کمونیسم در فلسطین است که تنها زمانی به طور واقعی می‌تواند آغاز شود که مسئله فلسطین حل شده و یک دولت سکولار فلسطینی تشکیل شود. در عین حال، شکست نیروهای دست راستی اسلامی در جنگ اسرائیل و حماس می‌تواند باعث تسریع افول و سقوط راست سیاسی و مذهبی در اسرائیل (هنگامی که همتایش در جبهه مقابل حذف شده است) شود.

سؤال: در منطقه ما، به طور خاص در خاورمیانه، جایی که یک انقلاب آتی پتانسیل گسترش سریع دارد، تصویری شکل گرفته که در آن منافع کوتاه‌مدت و میان‌مدت مردم در حال مبارزه برای راهی ملی، مانند مبارزه مردم فلسطین و مردم کرد، حتی اگر تنها در ظاهر، در تضاد است. شما وضعیت خاورمیانه را از دیدگاه حق ملل در تعیین سرنوشت خویش که لنین به‌عنوان استراتژی‌ای برای وحدت تمام کارگران و مردم تحت ستم جهان قبل از جنگ جهانی اول مطرح کرد، چگونه می‌بینید؟

بهرام سروش: مبارزات ملی در دوران ما همان معنی یا اهمیت مبارزات ملی زمان لنین را ندارند. در دنیای استعماری اوایل قرن بیستم، مبارزات ضد استعماری، جنبش‌های حی‌وحاضر و مطرحی بودند که می‌توانستند به‌عنوان تضعیف‌کننده قدرت دولت‌های امپریالیستی و بورژوازی بین‌المللی نگریسته شوند. به همین دلیل بود که در استراتژی کمونیست‌های آن دوره مکان برجسته‌ای داشتند. توجه به این مبارزات (به‌ویژه در شرق) زمانی که بلشویک‌ها برای مقابله با قدرت‌های امپریالیستی در جنگ داخلی روسیه که در پی نابودی دولت بلشویکی بودند، نیاز به بسیج گسترده‌ترین نیروهای ممکن داشتند، اهمیت بیشتری پیدا کرد. اما این اقدامات عملی - سیاسی در پاسخ به مقتضیات مبارزه در آن زمان، بعدها به سطح اصول در بخش وسیعی از چپ ارتقا پیدا کرد. این در مورد شعار "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" نیز صادق است که عمدتاً به‌عنوان حق مثبت همه ملل برای جدایی و تشکیل دولت‌های مستقل تلقی شده است، حتی زمانی که مسئله ملی (یعنی وضعیتی که در آن ستم و تبعیض ملی، هم‌زیستی دو ملت را غیرممکن کرده است) وجود ندارد. رویکرد لنین به مسئله ملی با فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" یک پاسخ تاکتیکی بود به وضعیتی دردناک که ناسیونالیسم ایجاد کرده بود، و متأسفانه جدایی تنها گزینه شده بود.

منصور حکمت، بنیان‌گذار حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری، به این مسئله و فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" در مطالعه‌ای عمیق تحت عنوان "ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" در سال ۱۹۹۴ بر می‌گردد. از نظر منصور حکمت، این شعار که در کمونیسم بسیار ساده به نظر رسیده است، در واقع پر از ابهام و مشکل و آوانس دادن به ناسیونالیسم است (به‌عنوان مثال در صحبت از یک "حق" هم‌دیف با حقوق مثبتی مانند حق زندگی، حق رأی و غیره، و پذیرش غیرانتقادی مفاهیم "ملت" و "تعیین سرنوشت"). البته اینجا فرصت ورود تفصیلی به این بحث منصور حکمت وجود ندارد، اما نکته اصلی حکمت این است که برای کمونیست‌ها ایده پشت فرمول "حق ملل در تعیین سرنوشت خویش" نه یک اصل (مانند حقوق مثبت آزادی بیان، حق زندگی، حق آموزش و غیره)، بلکه یک مصلحت سیاسی است در پاسخ به وضعیت دردناک شکاف درون طبقه کارگر که ناسیونالیسم بورژوازی ایجاد کرده است، به‌منظور رفع یک مانع در مبارزه طبقه کارگر. علاوه بر این، همان‌طور که خود لنین اضافه می‌کند، پذیرش حق یک

ملت برای جدایی و تشکیل دولت مستقل لزوماً به معنای توصیه به جدایی نیست. به همین دلیل است که برنامه حزب ما از این فرمول استفاده نمی‌کند، بلکه موضع حزب را برای رفع ستم ملی و در قبال "مسئله کرد" به طور مشخص بیان می‌کند. مفید خواهد بود که چند بخش از این قسمت برنامه را برای توضیح بیشتر موضع حزب ما در مورد مسئله ملی نقل کنیم:

"حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه می‌کند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب‌مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان‌ها می‌داند و با هر نوع تقسیم‌بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی‌الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت‌های خاص معمول داشته نشود. حزب کمونیست کارگری تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود می‌داند."

"به‌عنوان یک اصل عمومی، حزب کمونیست کارگری خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت‌های مختلف به‌عنوان شهروندان آزاد و متساوی‌الحقوق در چهارچوب‌های کشوری بزرگ‌تر است که سازمان‌یابی صف‌های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل می‌کند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخصیفات میان مردم منتسب به ملیت‌های مختلف هم‌زیستی میان آنها را در چهارچوب‌های کشوری موجود دشوار و مشقت‌بار ساخته باشد، حزب کمونیست کارگری حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آرای خود آن مردم را، به رسمیت می‌شناسد."

"نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست‌های حق طلبانه و جنبش‌های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم‌های سلطنتی و اسلامی، حزب کمونیست کارگری به‌عنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پرورده انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت می‌شناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویاً محکوم می‌کند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مسئله کرد در ایران از طریق برگزاری یک رفراندوم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین‌المللی است. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به‌منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در رفراندوم، انجام شود."

"حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رأی موافق می‌دهد که قویاً محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمت‌کشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن‌تری برخوردار خواهد ساخت. موضع رسمی حزب کمونیست کارگری در هر مقطع بر مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمت‌کش در کردستان به طور اخص تعیین خواهد شد."

(یک‌دنیای بهتر: برنامه حزب کمونیست کارگری)

مسئله فلسطین، ستمی که به مردمی که از سرزمین‌های خود رانده شده‌اند وارد شده است، البته مسئله‌ای متفاوت از خواست یک ملت برای جدایی و

سراسر کشور است.

تضعیف شدید حکومت اسلامی در منطقه، به دنبال ازدست دادن نیروهای نیابتی اش در غزه و لبنان، سقوط رژیم اسد در سوریه، فشارها بر نیروهای نیابتی اش در عراق، شکست‌های نظامی متحدین حوثی‌اش در یمن، انزوای بین‌المللی اش و مشکلات داخلی (بحران اقتصادی عمیق و اعتراضات اجتماعی) رژیم را به لبه پرتگاه کشانده است. خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود به کسانی که "توی دل مردم را خالی می‌کنند" (یعنی توی دل صفوف خود رژیم) هشدار داد. اختلافات بین جناح‌های رژیم (به اصطلاح "اصلاح‌طلبان" و "اصول‌گرایان") در حال تشدید است. کشور به سمت زمین گیر شدن و فلج شدن پیش می‌رود، و پیش‌بینی می‌شود که حکومت به‌زودی حتی قادر به پرداخت حقوق کارکنان دولتی نباشد.

نکته مهمی که باید به آن توجه کرد این است که هرگونه سقوط و فروپاشی آتی حکومت نه در خلأ، بلکه در بستر جامعه‌ای صورت خواهد گرفت که از نفرت و خشم نسبت به رژیم می‌جوشد، مردمی خشمگین که در کمین فرصتی برای خیزشی مجدد برای سرنگونی حکومت هستند. سرنگونی رژیم در نتیجه یک پروسه انقلابی، میدان را برای اپوزیسیون راست بورژوا و آرزوهای آن برای انتقال برنامه‌ریزی شده قدرت از بالا، درحالی که ارکان دولت (نیروهای مسلح، زندان‌ها، دادگاه‌ها و دستگاه اداری بورژوازی) دست‌نخورده باقی‌مانده‌اند، محدود خواهد کرد. از طرف دیگر، سقوط رژیم در نتیجه یک انقلاب، فضا را برای دخالتگری نیروهای چپ و انقلابی و ابتکار عمل طبقه کارگر و توده‌ها خواهد گشود.

چشم‌انداز سقوط حکومت اسلامی (اینکه دقیقاً چه زمانی اتفاق خواهد افتاد را البته نمی‌توان پیش‌بینی کرد) و فرصتی تاریخی‌ای که این امر برای یک دخالتگری رهبری‌کننده از طرف نیروهای کمونیستی و سوسیالیستی، و مشخصاً حزب ما، فراهم می‌کند، ایجاب می‌کند که بالاترین درجه آمادگی را داشته باشیم. حتی بزرگ‌ترین انقلاب‌ها (همانطور که برای مثال در انقلاب‌های ۲۰۱۱ در شمال آفریقا و خاورمیانه و انقلاب ۱۹۷۹ ایران دیدیم) بدون حزب و رهبری کمونیستی انقلابی به نتیجه نمی‌رسند. این آمادگی به معنای ادامه تحکیم ارتباط حزب با مردم در مقیاسی اجتماعی، از طریق نمایندگی، رهبری و تعمیق مبارزه سازش‌ناپذیر آنان برای سرنگونی حکومت است. تنها نیروهایی که قادرند رادیکالیسم و عمل انقلابی توده‌ها را نمایندگی و رهبری کنند، در عین اینکه موانع و بدیل‌ها و ایستگاه‌های ارتجاعی‌ای که رژیم اسلامی یا اپوزیسیون بورژوازی آن تلاش می‌کنند در مسیر مبارزات مردم قرار دهند، را کنار می‌زنند، می‌توانند اعتماد مردم را برای رهبری انقلابشان جلب کنند. رهبری انقلاب یک ضرورت حیاتی برای کسب قدرت سیاسی در پی سقوط حکومت است. حزب ما خود را برای این چشم‌انداز رهایی‌بخش و تاریخی آماده می‌کند.

۸ ژانویه ۲۰۲۵. ترجمه از متن مصاحبه به انگلیسی.

لینک مصاحبه در نشریه "کالدیراج":

<https://kaldirac4.org/iran-isci-komunist-partisi-kaybedenler-rusya-ve-islam-cumhuriyetidir-politburo-yyesi-bahram-soroushla-roportaj>

زنده باد

انقلاب زن، زندگی، آزادی

"بازندگان، جمهوری اسلامی و روسیه‌اند"

از صفحه ۱۱

تشکیل یک دولت مستقل است. در بالا من نظرم را در مورد مسئله فلسطین در پاسخ به سؤال قبلی تان بیان کردم و اینکه چگونه راه‌حل دو دولتی می‌تواند یک راه‌حل عملی برای پایان‌دادن به ستم علیه مردم فلسطین باشد.

سؤال: استراتژی شما برای گسترش انترناسیونالیسم پرولتری، مبارزه مشترک مردم علیه امپریالیسم و پیشرفت دستاوردهای طبقه کارگر در منطقه ما که شامل قفقاز، بالکان، خاورمیانه و شمال آفریقا به معنای وسیع کلمه می‌شود، چیست؟

بهرام سروش: ما خواستار بیشترین همکاری و همبستگی بین طبقه کارگر و مردم سراسر جهان در مبارزه علیه ستمگران کاپیتالیست هستیم. ما طرف‌دار انترناسیونالیسم و همبستگی طبقه کارگر هستیم. در عین حال، ما مبارزه خود را به‌عنوان یک "مبارزه ضد امپریالیستی" تعریف نمی‌کنیم، به دلیل معنی ناسیونالیستی‌ای که این مقوله پیدا کرده است. به‌عنوان سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، ما مبارزه خود را در درجه اول مبارزهای علیه طبقات حاکم و ستمگران "خودی" در داخل می‌بینیم. در واقع، جنبش ما، کمونیسم کارگری، در نقد سازمان‌های سنتی چپ در دهه ۱۹۸۰، پیروان شاخه‌های مختلف کمونیسم آن زمان که بورژوازی‌های ملت‌های ستمدیده را مترقی می‌دانستند و از مبارزه مشترک مردم (شامل به اصطلاح "بورژوازی ملی") علیه امپریالیسم صحبت می‌کردند، شکل گرفت. ما سوسیالیست هستیم و برای سرنگونی سرمایه‌داری، لغو کار مزدی و برای ایجاد فوری یک جامعه سوسیالیستی آزاد و برابر مبارزه می‌کنیم. ما در عین اینکه خواستار بیشترین همکاری و همبستگی بین سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها در سراسر جهان هستیم، همچنان باور داریم که همبستگی بین‌المللی واقعی و عملی تنها بین کمونیست‌ها و کارگرانی می‌تواند ایجاد شود که در مبارزه‌شان علیه بورژوازی، در هر جا که هستند، تبدیل به نیروی شده و پیشرفت کرده باشند.

سؤال: در خاتمه، آیا می‌توانید اطلاعاتی در مورد آخرین وضعیت مبارزات کارگران، زنان، جوانان، مردم و تمام بخش‌های اجتماعی در حال مقاومت در ایران، و همچنین رشد نیروهای انقلابی و کمونیستی ایرانی در درون جنبش پس از آخرین موج خیزش در ایران با شعار "زن، زندگی، آزادی" بدهید؟

بهرام سروش: همانطور که می‌دانید، خیزش انقلابی که در سپتامبر ۲۰۲۲ پس از مرگ مهسا (ژینا) امینی در بازداشت به دلیل عدم رعایت کامل حجاب اسلامی اجباری آغاز شد، بزرگ‌ترین چالش برای حکومت اسلامی در طول عمر دهه‌ها ساله‌اش بود که آن را به لبه پرتگاه سرنگونی رساند. رژیم از حملات وحشیانه و سرکوب برای مقابله با اعتراضات استفاده کرد و صدها نفر را کشت و هزاران نفر را زخمی کرد. با این حال، این حملات موفق نشدند مردم را از اعتراض بازدارند. گرچه توازن نیرو در حال حاضر، به دلیل وحشی‌گری حکومت، اجازه برگزاری اعتراضات خیابانی گسترده را نمی‌دهد (این می‌تواند به‌زودی تغییر کند)، مبارزه علیه حکومت به اشکال مختلف ادامه دارد: مانند لغو عملی و زیر پانهادن حجاب اسلامی توسط زنان در سطح میلیونی که حکومت از مقابله با آن عاجز بوده است، مبارزات بخش‌های مختلف کارگران، به‌عنوان مثال، در صنعت نفت و کارگران بازنشسته که به طور مداوم حقوق خود را در اعتراضات خیابانی مطالبه می‌کنند، مبارزه زندانیان سیاسی در زندان‌ها و مبارزه خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط رژیم اسلامی کشته شده‌اند. این‌ها تنها نمونه‌هایی از اعتراضات گسترده و مداوم مردم علیه حکومت در

پریشان خوابی جمهوری اسلامی به دنبال شکست طرح ارز "بریکس"

مهران محبی

طرح جایگزین کردن یک ارز واحد میان کشورهای عضو "بریکس" شامل برزیل، روسیه، چین، هند و آفریقای جنوبی و ایران و تعدادی دیگر از کشورهای به اصطلاح متخاصم با آمریکا، با تهدید ترامپ به اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی صدور کالای این کشورها به آمریکا شکست خورد و کنار گذاشته شد.

رؤیابدازی‌های حول این طرح که پس از اعمال تحریم‌های غرب علیه روسیه به دلیل حمله به اوکراین مطرح شده بود، با اولین تهدید ترامپ یکباره به یأس و سرخوردگی اعضا آن تبدیل شد.

دلیل شکست این رؤیای تعبیر نشده برای اعضا "بریکس" روشن است. توان اقتصادی برای چنین اقدامی در مجموع اعضا آن وجود ندارد. بر اساس برخی آمارها، کشورهای عضو "بریکس" در مجموع یک پنجم کل حجم تجارت جهانی را در اختیار دارند و بیشتر حجم این میزان از تجارت هم با دلار آمریکا انجام می‌گیرد. طبق آمار اداره کل گمرک چین، در سال ۲۰۲۴ ارزش تجارت بین چین و روسیه که با دلار صورت گرفته، رکورد زده و به ۲۳۷ میلیارد دلار رسیده است در حالی که میزان تجارت بین این دو کشور که با "یوان" (پول چین) محاسبه می‌شود نسبت به سال ۲۰۲۳ کاهش چشمگیری داشته و این به خاطر تحریم‌های مضاعفی بوده که آمریکا علیه بانک‌هایی که با روسیه تجارت می‌کنند، اعمال کرده است.

بنابراین، طرح جایگزینی ارز واحد در میان کشورهای عضو "بریکس" به جای دلار آمریکا توهمی بیش نبود. حتی در صورت عملی شدنش برای خود اعضا "بریکس" هم چندان کارآمد و راهگشای مشکلات تجاری آنها نبود. این کشورها شرایط اقتصادی و سیاسی لازم برای پیشنهاد ایجاد یک ارز جهانی را ندارند. عمده‌ترین شرایط اقتصادی لازم برای ایجاد یک ارز جهانی، قدرت و ثبات اقتصادی، رشد تولید ناخالص، داشتن دسترسی به اقتصاد کشورهای مهم اقتصادی و داشتن ذخیره‌های بزرگ از طلا است که بتواند ارز مورد نظر را پشتیبانی کند و از نظر سیاسی و بین‌المللی نیز دارا بودن یک بلوک قدرتمند ضروری است.

آمریکا که صاحب قدرتمندترین ارز جهانی موجود است، بعد از جنگ جهانی دوم تا حالا از موقعیت‌های ذکر شده برخوردار بوده و علاوه بر اینکه در حال حاضر بیش از ۱/۳ تولید ناخالص داخلی کشورهای جهان با دلار مبادله می‌شود و ۷۵ درصد از مقدار ۶۵ درصدی از کل دلاری که در خارج از آمریکا استفاده می‌شود به صورت اسکناس عمده‌تاً در کشورهای شوروی سابق و آمریکای لاتین است، امروز ۶۴ درصد از بانک‌های مرکزی جهان از دلار به عنوان ارز ذخیره‌ای استفاده می‌کنند.

در برابر این موقعیت دلار و آمریکا به عنوان توزیع کننده آن، از کشورهای عضو "بریکس" هستند و قصد ایجاد ارز واحد جایگزین دلار را دارند، یکی روسیه و از اصلی‌ترین کشورهای "بریکس" است که زیر تحریم و درگیر در جنگ است. ایران دیگر عضو "بریکس" (هرچند اعضا بریکس آن را به خاطر نپیوستنش به FATF به عضویت در طرح ارز واحد مورد نظر خود نپذیرفتند) اقتصادش شدیداً بحرانی و به بن‌بست رسیده و متلاشی است.

باین حال و در این گیرودار، جمهوری اسلامی بود که شدت توهمنات و خیال‌بافی‌هایش بالا گرفته بود و قند در دل سرانش آب می‌شد. ابتدا خامنه‌ای از دولت پزشکیان خواست تا در "بریکس" مشارکت حداکثری کند که به باور او سامانه مالی "بریکس" و تبادلات مالی با ارزهای کشورهای عضو کمک بزرگی به حل مشکل وابستگی به دلار می‌کرد؛ پزشکیان شتابان به "کازان" سفر کرد و در سخنرانی‌اش از ضرورت ایجاد سازوکارهای مالی برای کاستن از

قدرت دلار و دورزدن تحریم‌های اقتصادی حرف زد و به طور کلی هلهله در میان همه سران رژیم برپا شد که به یکباره اعضا "بریکس" جمهوری اسلامی را از مشارکت در ارز واحد به خاطر تحریم‌های بانکی و مبادلات مالی ناشی از FATF کنار گذاشتند.

به این ترتیب جمهوری اسلامی توسط نزدیکان منطقه‌ای و بین‌المللی خودش هم در طرح ارز واحد، قبل از آنکه با تهدید ترامپ به کلی کنار گذاشته شود، تحریم شده بود. رژیم حتی در صورت عملی شدن طرح ارز واحد "بریکس" هم شانس برای مشارکت و به قول سرانش استفاده از آن برای دورزدن تحریم‌های آمریکا نداشت و همه ذوقزدگی‌ها و بالا و پائین پریدن‌های سرانش بیهوده بود.

حالا چاره‌ای برای سران حکومت جز بیشتر گردن کج کردن در برابر آمریکا باقی نمانده است. از طرفی مانده‌اند که چطور این درماندگی و استیصال را در انظار عمومی توجیه کنند. حرف‌های ضدونقیض می‌زنند، تهدید و تشویق و هر بازی عوام‌فریبانه‌ای می‌کنند تا شاید در باور و افکار عمومی القا کنند که همچنان اقتدار (ادعایی که همواره پوچ بوده است) دارند و تن‌دادنشان به خواست‌های ترامپ را به قیمت یک مذاکره حداقل "برد، برد" نشان دهند.

"دست‌به‌دست" کردن‌ها و شل کن سفت کن‌های مقامات حکومتی برای توافق با ترامپ ناشی از وحشت از عواقبی است که بعد از این توافق احتمالی گریبانشان را خواهد گرفت. آمریکا به کمتر از کنار گذاشتن کلی غنی‌سازی هسته‌ای، فعالیت ساخت موشک، دست کشیدن کامل از ماجراجویی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های تروریستی اسلامی رضایت نمی‌دهد و در صورت حصول چنین توافقی، جمهوری اسلامی سیاست‌ها و ابزارهای تاکتونی حفظ و بقای خود را از دست خواهد داد.

در نتیجه توافق با ترامپ برایشان راهگشا و حلال مشکلاتشان نخواهد بود. خامنه‌ای همین جمعه ۱۹ بهمن در یک سخنرانی در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش این "واقعیت" را بیان کرد که مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی از جمله مشکلات اقتصادی و معیشتی را حل نمی‌کند!

دلیل این میزان از وحشت در میان سران حکومت این است که مشکلات و مخمصه‌های رژیم خارج از قاعده‌هایی هستند که حتی با پذیرفتن همه خواست‌های تحقیرکننده ترامپ، به فوریت حل شوند و از میزان فشارها بکاهند. بحران اصلی جمهوری اسلامی عدم مشروعیتش در داخل است که با هیچ توافق و بند و بستی با دولت‌های خارجی قابل حل نیست و هر عقب‌نشینی و شکستی در جنگ‌ها، نزاع‌ها و مذاکرات منطقه‌ای و بین‌المللی فقط به تقویت اعتراضات در داخل منجر خواهد شد و از این رو است که سران حکومت در حال بسیج و سازماندهی نیروهایشان برای مقابله با خیزش‌های اجتماعی و عمومی قریب‌الوقوع هستند.

جلسه فوق‌العاده سران سه قوه جمهوری اسلامی با حضور بیش از ۶۰ مقام ارشد حکومتی یکی از مهم‌ترین نشست‌های امنیتی اخیر است که طی آن محسنی‌اژه‌ای در مورد تبدیل شدن مشکلات اقتصادی به بحران و از دست رفتن حکومت در صورت ادامه مشکلات و عدم هماهنگی میان مقامات حکومتی هشدار داد.

جمهوری اسلامی در چنین شرایط بحرانی و رو به سرنگونی قرار گرفته است که نه تن‌دادن به خواست‌های ترامپ و نه هیچ درجه از عقب‌نشینی و پذیرش شکست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مانع از سقوطش نخواهد شد و به همین دلیل ناامیدانه به آخرین ابزار یعنی تجهیز و آماده‌سازی ماشین کشتار و سرکوب متوسل می‌شود. تلاشی که بدون شک مانند تفلای‌های پیشین راه نجاتی در آن نخواهد یافت.*

اطلاعه‌های هفته اخیر

در اعتراض به دستگیری‌ها شعار "اسماعیل گرامی آزاد باید گردد سر دادند. این بازنشستگان همچنین شعار می‌دادند "از خوزستان تا تهران، مرگ بر این مدیران"، و "نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت".

در شوش یکی از بازنشستگان طی سخنرانی‌ای بساط فقر و چپاول و بی‌تامینی حاکم را به چالش کشید و گفت "امروز در جای‌جای کشور ما فقر و محرومیت و تورم و رانت و اختلاس بیداد می‌کند. واقعاً شان و شخصیت و منزلت ما این نیست که بر سر ما آمده". در این تجمع نیز بازنشستگان با فریاد "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی جان فدا می‌کنیم در راه آزادی" فریاد آزادی و رهایی سر دادند.

بنا بر خبرها در تداوم برگزاری تجمعات یکشنبه‌های اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی، نیروهای امنیتی برای به مانع از ادامه این تجمعات به احضار بازنشستگان و تهدید آنان به بازداشت کرده‌اند. از جمله بازنشستگان تهران از هفتم بهمن‌ماه اطلاعی از نوروز ذبیحی، بازنشسته تأمین اجتماعی اطلاعی ندارند و با توجه به احضار قبلی وی احتمال بازداشت او توسط نیروهای لباس شخصی وجود دارد. بازنشستگان خواستار آزادی بی‌قید و شرط وی و نیز اسماعیل گرامی یکی دیگر از بازنشستگان که قبل از بازداشت و زندانی شده است هستند. کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، معترض زندانی آزادی باید گردد از جمله شعارهای اعتراضی بازنشستگان در کف خیابان است.

هم‌زمان با بازنشستگان تأمین اجتماعی، بازنشستگان زغال‌سنگ کرمان در مقابل اداره امور بازنشستگی این شهر و بازنشستگان فولاد نیز در اعتراض به وخیم شدن هر روز وضع معیشتی خود و پاسخ نگرفتن خواست‌هایشان در اصفهان، اهواز، قائم‌شهر و تهران مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. در اصفهان بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند. شعارهای اعتراضی بازنشستگان فولاد در این تجمعات عبارت‌اند از: "نگید که نداریم از دروغاتون بیزاریم!" و "اسلامو پله کردن، مردمو ذله کردن!"، "فولادی داد بزن، حق‌تو فریاد بزن"، "تا حقومون را نگیریم، از پا نمی‌نشینیم".

در این روز مالکان اراضی فاز ۲ شهرک خاوران تبریز نیز در اعتراض به عدم رسیدگی و پاسخگویی به مشکلات خود در مقابل مقر ریاست جمهوری اسلامی در خیابان پاستور تجمع کردند.

امروز همچنین جمعیت بزرگی از غارت‌شدگان کینگ مانی و یوتی‌بی‌ت شرکت باران گستران در تهران تجمع کرده و با فریاد مسئول "بی‌کفایت استعفا، استعفا" صدای اعتراض خود را علیه چپاولگری‌های آشکار حکومتیان بلند کردند.

حرکت اعتراضی دیگر در این روز از سوی کشاورزان چغندرکار نقده در استان آذربایجان غربی صورت گرفت. این کشاورزان در اعتراض به پرداخت نشدن بهای چغندرهای خود و پاسخ نگرفتن خواست‌هایشان مقابل کارخانه قند تجمع کردند. به گفته کشاورزان محصول از آنها خریداری می‌شود؛ اما پولی پرداخت نمی‌شود و با گذشت هر روز از ارزش طلب آنان کاسته می‌شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ بهمن ۱۴۰۳، ۲ فوریه ۲۰۲۵



تجمع اعتراضی بهروزان مشهد، محرومیت شانزده زندانی زن از ملاقات‌ها

امروز سیزدهم بهمن‌ماه بهروزان و کادر بهداشت در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات خود و بی‌پاسخ ماندن دیگر مطالباتشان مقابل ساختمان قرشی دانشگاه علوم پزشکی مشهد تجمع کردند.

طبق گزارشات منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، گروهی از زنان زندانی سیاسی در زندان اوین، به دلیل تحصن و اعتراض به انتقال دو زندانی سیاسی بهروز احسانی و مهدی حسنی محکوم به اعدام به زندان قزل‌حصار، ممنوع‌الملاقات شدند. این محرومیت توسط هدایت‌الله فرزادی رئیس زندان اوین به این زندانیان ابلاغ شده و از ۱۴ بهمن آغاز می‌شود و شامل محرومیت از ملاقات‌های کابینی و حضوری است. اسامی زندانیان این زندانیان عبارت‌اند از: آذر کوروندی، ریحانه انصاری، فروغ تقی‌پور، شیوا اسماعیلی، مریم یحیوی، گلخ ایرایی، سکینه پروانه، زهرا صفایی، مرضیه فارسی، طاهره نوری، مطهره گونه‌ای، ناهید خداجو، الهه فولادی، نسرين خضری، آنیشا اسداللهی، و سمانه اصغری.

زندان‌ها یک کانون داغ اعتراض علیه اعدام است. حکومت می‌خواهد از ابزار زندان و اعدام برای به سکوت کشاندن مردم استفاده کند. اما از همه‌جا از جمله از درون زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها اعتراض و مقابله با حکومت می‌جوشد. حزب کمونیست کارگری قاطعانه از اعتراضات زندانیان حمایت کرده و همگان را به پشتیبانی از آنها فرا می‌خواند. این محرومیت‌ها که بخشی از سرکوبگری‌های حکومت است و باید فوراً لغو و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. احکام اعدام بهروز احسانی و مهدی حسنی و تمامی محکومین به اعدام باید لغو و مجازات اعدام ملغی شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ بهمن ۱۴۰۳، ۱ فوریه ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی و فولاد و اخباری دیگر

روسی رارهاکن فکری به حال ماکن

امروز چهاردهم بهمن‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی خود در شهرهای اهواز، شوش و رشت تجمع کردند.

در اهواز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع داشتند و بعد از فریاد شعارهای پرطنین خود سرود "زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی، مرگ بر این بردگی" را سر دادند. در این تجمع بازنشستگان از جمله شعار می‌دادند: "روسی را رها کن، تورم را مهار کن"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته"، "قالیباف دروغگو حاصل وعده‌هاست، کو"، "دولت انتصابی، دروغ می‌گه حسابی"، "دشمن ما همین جاست، دروغ می‌گن آمریکاست"، "هم مجلس، هم دولت، ظلم می‌کنن به ملت"، "ایران پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، و "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه".

در شوش بازنشستگان از کرخه، هفت‌تپه و شوش جمع شده بودند و

تجمع باشکوه و مشترک بازنشستگان در کرمانشاه "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست"

امروز شانزدهم بهمن ماه بازنشستگان معلم و تأمین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی استان کرمانشاه به طور هماهنگ و طبق فراخوان از قبل اعلام شده تجمع اعتراضی مشترکی برپا کردند. این تجمع در اعتراض به تورم و گرانی افسارگسیخته و اختلاس‌های نجومی و بدتر شدن هر روزه وضع معیشتی بازنشستگان صورت گرفت. در این تجمع بازنشستگان از خواست‌هایشان سخن گفتند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود مطالباتشان را پیگیر شدند. در این تجمع همچنین یکی از سخنرانان پیرامون یکی از دستاوردهای تجمعات و "آزادی رسول بدایق" سخن گفت و با گفتن "به امید روزی که در جهانی کسی به خاطر عقیده در زندان نباشد" شعار "بدایق، بدایق، آزادی‌ات مبارک" را سرداد و جمعیت با کفزدن او را همراهی کرد.

فراخوان این تجمع از سوی نهادهای "انجمن صنفی فرهنگیان شاغل و بازنشسته کرمانشاه"، "بازنشستگان مطالبه‌گر تأمین اجتماعی کرمانشاه"، "انجمن صنفی فرهنگیان اسلام‌آباد غرب، انجمن صنفی فرهنگیان هرسین و بازنشستگان مطالبه‌گر مخابرات و علوم پزشکی کرمانشاه داده شده بود.

در این تجمع اعتراضی باشکوه بازنشستگان شعار می‌دادند: "معلم زندانی آزاد باید گردد!"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد!"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست!"، "این هوای آلوده، قاتل قلب و ریه!"، "سگ هار تورم افتاده جان مردم!"، "تجمع اعتراض، حق مسلم ماست!"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست!"، "بودجه‌بندی دولت، برای فقر ملت!"، "نه جنگ می‌خواهیم، نه کشتار رفاه می‌خواهیم، ماندگار!"، "تجمع اعتراض حق مسلم ماست!"، "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم!"، "با این حقوق ناچیز جان‌ها به لب رسیده!"، "از شعار تا عمل، وعده‌های بی‌ثمر!"، "آب و برق و معیشت، دزدیده شد از ملت!"، و "بیت‌المال و خزانه، جولانگاه دزدانه!".

شعارهای بازنشستگان فریاد اعتراض همه مردم علیه اختلاسگران حاکم است. از خواست‌ها و مبارزات بازنشستگان وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

۱۶ بهمن: سه‌شنبه‌های نه به اعدام، تجمعات کارگران کارون بزرگ، کارگران پروژه تصفیه فاضلاب کرمان، و بازاریان تهران

- امروز شانزدهم بهمن ماه پنجاه و چهارمین هفته کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" در زندان‌ها ادامه یافت و پس از پیوستن زندان گنبدکاووس هم اکنون زندانیان ۳۵ زندان در این کارزار بر علیه اعدام شرکت می‌کنند. در هفته گذشته شماری از زندانیان سیاسی زندان وکیل‌آباد مشهد که پیش‌تر برخی دیگر از آنان به این کارزار پیوسته بودند، به "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" پیوستند. در قسمتی از بیانیه زندانیان اعتصابی در این کارزار چنین آمده است "کارزار نه به اعدام در سراسر ایران و اعتصاب‌غذای سه‌شنبه‌های زندانیان، در حال تبدیل شدن به یک کنش همگانی است و هر هفته نیز گسترش می‌یابد. باشد که این کارزار، کمک ناچیزی به مبارزات آزادی‌خواهانه مردم و جوانان دلیر و بی‌باک برای آزادی میهن اسیرمان و رفع فساد و تبعیض باشد!".

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام حمایت کرده و همگان را به پیوستن و حمایت از این کارزار فرا می‌خواند. جنبش علیه اعدام جنبشی اجتماعی است. امروز شانزدهم بهمن ماه جمشید عزیزی زندانی سیاسی که در مرخصی به سر می‌برد مقابل زندان لاکان رشت رفت و آهنگ بلاچاوا را با سازدهنی (هارمونیکا) در حمایت از منوچهر فلاحی زندانی سیاسی محکوم‌به‌اعدام نواخت و با انتشار کلیپ

تجمعات بازنشستگان مخابرات، کارگران ارکان ثالث، شرکت چرخشگر، و اخباری دیگر

امروز پانزدهم بهمن ماه بازنشستگان مخابرات در ادامه دوشنبه‌های اعتراضی در شهرهای مختلفی تجمع کردند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، کرمانشاه، ایلام، بیجار، تهران، اهواز، خرم‌آباد، شهرکرد، میوان، زنجان، شیراز، و سمنان برگزار شدند.

در تهران بازنشستگان تجمع و راهپیمایی داشتند و در پاسخ به صحبت‌های روز گذشته خامنه‌ای شعار می‌دادند: "دشمن ما همین جاست، دروغ میگویند آمریکاست" در کرمانشاه هم اعتراض به صورت تجمع و راهپیمایی انجام گرفت. دیگر شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "حقوق بازنشسته فقط برای یک هفته!"، "فریاد، فریاد، از این همه بیداد!"، "عزت بازنشسته احیا باید گردد!"، "تا حق خود نگیریم دوشنبه‌ها می‌آییم!" و "مدیر بی‌تفاوت نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم!"، "سهام‌دار ظالم حق ماها رو خورده!"، "بخور، بخور تو کاره، این بهترین شعاره!"، "سهام‌دار عمده، حق ماها رو خورده!"، و "فقط کف خیابان، به دست میاد حقمان!"

اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و به اختلاس و سرکوبگری‌هاست. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرائشدن آیین‌نامه استخدامی ورفاهی ۱۳۸۹ و پاسخ ماندن خواست‌های خود اعتراض دارند و سهام‌داران عمده شرکت یعنی ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد تعاون سپاه هدف شعارهای اعتراضی آنان علیه دزدی‌ها هستند.

همچنین در این روز در تبریز کارگران شرکت چرخشگر تبریز در اعتراض به مشکلات معیشتی و خلف وعده‌ها دست به اعتصاب زدند. در برابر مطالبات کارگران ده روز قبل مدیران این شرکت وعده داده بودند که تا ده روز آینده نسبت به حل درخواست کارگران اقدامات لازم را انجام خواهند داد. اما نه تنها اقدامی صورت نگرفت؛ بلکه مدیران این شرکت اضافه‌کاری بعدازظهر کارگران را حذف نمودند.

در این روز در همدان نیز اعضای پروژه مسکن ملی ۴۸۰ واحدی شهرک فرهنگیان که از سال ۱۳۹۹ منتظر تکمیل پروژه هستند دست تجمع کردند. به گفته معترضین الان مدتی است که ساخت پروژه متوقف شده و پول‌های آنها را به جیب زده‌اند و کسی هم پاسخگو نیست.

آخرین خبر مربوط به امروز یورش وحشیانه سرکوبگران حکومت به منازل مسکونی مردم در روستای منزل آب و لوجو در سیستان و بلوچستان است. بنا بر گزارشات منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی صبح امروز نیروهای بنیاد مسکن و اداره راه و شهرسازی در همراهی با ده‌ها نیروی نظامی و امنیتی و با دست‌کم ۳۰ دستگاه خودرو سبک و ماشین‌آلات سنگین به این روستا یورش برده و اقدام به تخریب منازل مسکونی شهروندان کردند. طبق خبر در جریان این یورش وحشیانه دست‌کم دو نفر بر اثر ضربات باتوم مجروح شده و سه نفر دیگر با خشونت بازداشت شدند.

جمهوری اسلامی مردم را در بی‌تامینی مطلق رها کرده است. به‌ویژه در مناطقی چون سیستان و بلوچستان که فقر و محرومیت بیداد می‌کند و وقتی مردم برای خود آلودگی می‌سازند نیروهای سرکوب با شقاوت تمام این آلودگی‌ها را سر آنها خراب می‌کنند. جمهوری اسلامی بر دریایی از خشم و نفرت مردم حکومت می‌کند و یک کانون داغ اعتراضات مردمی استان محرومی چون سیستان و بلوچستان است.

خبر دیگر مربوط به روز گذشته چهاردهم بهمن ماه است. در این روز کارگران ارکان ثالث در سکوی کیو وان (Q1) و چند سکوی فرعی دیگر در اعتراض به رأی ۳۱۸۸ و اجرای نادرست و ناقص طبقه‌بندی مشاغل، تجمع اعتراضی برگزار کردند. یک خواست کارگران ارکان ثالث اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل و افزایش حقوق‌هایشان متناسب با افزایش نرخ تورم و نرخ سبد معیشتی است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ بهمن ۱۴۰۳، ۳ فوریه ۲۰۲۵

فوق نوشت: منوچهر فلاح را از خودم بهتر می‌شناسم. کارگری با دستانی مهربان و چهره‌ای خندان که در بند میثاق، مادرانه هوای زندانیان را دارد. قبلاً در یک فایل صوتی از او گفتم و درخواست عفویش را داشتم، اما گویا ماشین اعدام، برای سرپوش گذاشتن بر ناتوانی خود در اداره کشور، می‌خواهد با صدور احکام سنگین علیه زندانیان سیاسی، وحشت بیافریند. منوچهر بی‌گناه است. او صدای اعتراض ماست.

- کارگران شرکتی شاغل در شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ در اعتراض به وضع بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان تجمع کردند. به گفته کارگران از سال ۹۵ حدود ۱۵۰ کارگر شرکتی طرح آبیاری کارون بزرگ خواهان تبدیل وضعیت و عقد قرارداد مستقیم با کارفرما بودند که از این تعداد حدوداً ۸۰ نفر از آنان قبل از سال ۱۴۰۰ تبدیل وضعیت شده‌اند. اما وضعیت استخدامی حدود ۳۵ کارگر هنوز ناروشن است. این شرکت وابسته به سازمان آب و برق خوزستان است.

- در کرمان کارگران پروژه تصفیه فاضلاب در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. مردم کرمان ۲۰ سال است که چشم‌انتظار اجرایی شدن این پروژه هستند؛ اما نه فقط به اتمام نرسیده؛ بلکه معوقات مزدی کارگران نیز پرداخت نشده است. در همین رابطه یکشنبه گذشته کارگران شرکت مانا در اعتراض به تعویق پرداخت ۴ ماه مزد مقابل مجموعه کارگاهی پروژه تصفیه‌خانه کرمان دست به تجمع زدند و علی‌رغم وعده‌های داده شده اقدامی نشد. در اعتراض به خلف وعده‌ها این کارگران در پانزدهم بهمن‌ماه گیت دوم تصفیه‌خانه را بستند و از ورود پرسنل جلوگیری کردند. صبح امروز نیز نیروهای بهره‌برداری که تا چندی پیش نیروی شرکت بلداجی بودند در تصفیه‌خانه قدیمی بابت معوقات حقوق خود دست به اعتصاب زده‌اند.

- معلولان طی بیانیه‌ای تحت عنوان "به خیابان بر می‌گردیم و بلندتر از قبل، حق‌مونو فریاد می‌زنیم" از آغاز دور جدید اعتراضاتشان خبر دادند. افراد دارای معلولیت تجمعات متوالی ای همراه با خانواده‌ها و در سطح سراسری در اعتراض به وضع بد معیشتی و درمانی خود داشته‌اند و در بیانیه بر تداوم اعتراضاتشان تأکید کردند.

- بازاریان تهران در خیابان‌های مولوی، خیام جنوبی و میدان قیام، در اعتراض به گرانی‌ها و بالارفتن قیمت دلار و مشکلات معیشتی دست به اعتصاب و تجمع زدند. اعتصاب بازار نشانی بارز از فلج اقتصادی حکومت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

تجمع و راهپیمایی کارگران ارکان ثالث شرکت پالایش گاز فجر جم

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) امروز سه‌شنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۳ کارگران ارکان ثالث و پیمانکاری و رانندگان در شرکت پالایش گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات خود دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی کارگران با شعار "یک کلام، یک کلام، مزد بدون تبعیض، والسلام، والسلام" عزم خود را برای ادامه مبارزه تا رفع تبعیض‌ها اعلام کردند. مطالبات فوری کارگران ارکان ثالث عبارت‌اند از: افزایش مزد، حذف شرکت‌های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان‌سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه‌کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و... .

روز گذشته پانزدهم بهمن‌ماه نیز کارگران رسمی شاغل در نفت در ادامه اعتراضات خود و به‌خاطر بی‌پاسخ ماندن مطالبات اعلام‌شده‌شان تجمع

کردند.

اهم خواسته‌های این کارگران عبارت‌اند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج نمودن فوق‌العاده‌های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیات‌های وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

دامنه اعتراضات کارگران ارکان ثالث گسترده‌تر شده و بر فضای اعتراض در نفت بیش‌ازپیش تأثیر گذاشته است. مطالبات و شعارهای اعتراضی این کارگران فریاد اعتراض همه کارگران و مردم است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

جای سعید مرتضوی پشت میز محاکمه است نه در مسند وکالت

سعید مرتضوی یکی از جنایت‌کارتترین و منفورترین مهره‌های جمهوری اسلامی است که اخیراً از طرف کانون وکلای دادگستری استان یزد برای او پروانه وکالت صادر شده است. این فرد چه در زمانی که قاضی حکومت یا معاون دادستان تهران بود و چه زمانی که ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سپس ریاست سازمان تأمین اجتماعی را به عهده داشت در تمام این دوران مشغول شکنجه و کشتن و غارت و دزدی و جنایت بود. شرکت مستقیم در قتل زهرا کاظمی، شکنجه وحشیانه و قتل حداقل پنج نفر از دستگیرشدگان اعتراضات ۸۸ در زندان کهریزک، تعطیلی مطبوعات و خالی کردن صندوق بازنشستگان تأمین اجتماعی و رشوه‌دادن به ده‌ها نفر از نمایندگان مجلس اسلامی در زمانی که رئیس سازمان تأمین اجتماعی بود گوشه‌ای از پرونده این عنصر بدنام و منفور حکومت بوده است. در زمان تصدی‌اش به‌عنوان دادستان تهران حداقل برای ۲۵۰ روزنامه‌نگار حکم زندان و شلاق و تبعید و توقیف و تعطیلی ۱۲۰ نشریه را صادر کرد.

سعید مرتضوی یکجا کل خبثت و کثافت حکومت را نمایندگی کرده است. او به دلیل قتل‌ها و جنایاتش شاکیان خصوصی بسیاری دارد. طومارهای اعتراضی متعددی با امضاهای زیاد به دلیل دزدی‌هایش از صندوق بازنشستگی منتشر شد. اتهامات او چنان گسترده بود که جمهوری اسلامی تحت‌فشار اعتراضات مجبور شد او را از سمت‌های خود برکنار کند و مدتی او را به زندان بیندازد.

کانون وکلای دادگستری استان یزد با اهدای پروانه وکالت به چنین جنایت‌کاری یک رسوایی تمام برای خود ببار آورده است. جای چنین جنایت‌کاری نه در مسند وکالت بلکه پشت میز محاکمه است.

در اعتراض به اقدام کانون وکلای دادگستری استان یزد گروهی از وکلای دادگستری در استان‌های فارس و آذربایجان شرقی... خواستار ابطال پروانه وکالت او شده‌اند. فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت‌تپه، نیز نوشت: سعید مرتضوی که نامش با پرونده وحشتناک کهریزک و شکنجه‌گره‌خورده در تناقضی آشکار حالا به او پروانه وکالت داده‌اند، در جایی که مجرم را به‌جای محاکمه به جایگاه وکیل مدافع می‌برند و بر زخم کهنه قربانیان او نمک می‌پاشند. تعدادی از وکلا، روزنامه‌نگاران و زندانیان سیاسی سابق نیز اهدای پروانه به این شخص پلید را محکوم کرده‌اند. در رسانه‌های اجتماعی نیز اعتراضات بسیاری علیه تصمیم به بازگرداندن این جنایت‌کار به شغل وکالت منتشر شده است. تیره این جانی و قاتل منفور، پرونده تمام جنایات او وکل حکومت را جلو کشیده است. جا دارد که وکلای مردمی در استان یزد نیز شدیداً به تصمیم کانون وکلای دادگستری یزد اعتراض کنند و خواهان ابطال این حکم شوند.

سعید مرتضوی و کلیه قضات جنایت‌کار حکومت پرونده‌هایی سرپای از

آورد و خاکریز اعدام را فتح و بساط اعدام و سرکوب حکومت را جارو کرد. حزب کمونیست کارگری همه مردم را فرا می خواند که به هر شکل ممکن وسیعاً به حکم اعدام پخشان عزیز و دیگر احکام اعدام اعتراض کنند. نباید اجازه داد که این حکومت بیش از این از عزیزان مردم قربانی بگیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

بازداشت نوروز ذبیحی و کامران ساختمانگر، و محکومیت حسین واحدی به زندان

در کنار احکام اعدام و تشدید اعدام‌ها، فشارهای امنیتی بر روی فعالین کارگری و معلمین و در سطح جامعه شدت یافته است. از جمله فشار بر روی معلمان معترض گسترده است و حکومت که تجربه توان بسیج گسترده اعتراضی از سوی آنان را دارد، هر روز با احکام جدیدی تلاش می کند اعتراضات را سد کند.

همچنین بازنشستگان یک بخش معترض جامعه هستند و نقش مهمی در داغ نگاه داشتن فضای اعتراض در خیابان‌ها را داشته‌اند، همواره زیر فشارهای امنیتی قرار داشته و در همین مدت تعدادی از آنها بازداشت و زندانی شده‌اند.

حکومت اسلامی با سرکوبگری‌هایش و با زندان و اعدام می کوشد فضای انقلابی جامعه را عقب بزند. اما جامعه با کارزارهای مبارزاتی خود علیه سرکوبگری‌های حکومت ایستاده و از هر گوشه آن اعتراض می بارد. مواردی از دستگیری‌ها و احکام صادره جدید برای فعالین کارگری و معلمان عبارت‌اند از:

- روز ۱۷ بهمن ماه کامران ساختمانگر فعال کارگری و زندانی سیاسی پیشین توسط نیروهای اداره اطلاعات در سنندج بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. او قبلاً نیز در دادگاه انقلاب سنندج به اتهام تبلیغ علیه نظام به ۳ ماه حبس تعزیری و جریمه نقدی محکوم شده بود که سپس حکم حبس وی به جریمه نقدی به مبلغ ۳۴ میلیون تومان تبدیل شد. در طول چند هفته اخیر شاهد موج گسترده‌ای از بازداشت فعالین کارگری و اجتماعی در سنندج بوده‌ایم.

- روز یکشنبه ۷ بهمن نوروز ذبیحی، کارگر بازنشسته ساکن تهران درحالی که عازم شرکت در تجمع اعتراضی بازنشستگان در مقابل سازمان تأمین اجتماعی بود، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او هم اکنون در زندان اوین به سر می برد.

- حسین واحدی، بازرس انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی، به حکم دادگاه تجدیدنظر استان خراسان شمالی به یک سال زندان محکوم شد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعلام این خبر و حمایت خود از حسین واحدی نوشت: زندان و سرکوب هرگز از اراده فرهنگیان در تلاش مستمر برای تحقق عدالت نخواهد کاست.

کامران ساختمانگر و نوروز ذبیحی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. یک کارزار مهم معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست‌های مشخصی چون خواست پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و دستگیری‌ها و احضارها، بسته شدن پرونده‌های امنیتی برای و آزادی فوری و بدون قیدوشرط معلمان زندانی، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این کارزار و کارزار علیه اعدام‌ها حمایت و پشتیبانی می کند و تلاش می کند صدای این کارزارها در سطح جهانی باشد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۵ ژانویه ۲۰۲۵ - ۱۴۰۳

Shahla.daneshfar2@gmail.com

جنایت دارند و آنها را همراه با رؤسایشان در قوه قضائیه و سران و کار به دستان حکومت منفور اسلامی را به جرم چند دهه جنایت مستمر علیه مردم به محاکمه خواهیم کشاند. آن روز دور نیست.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ بهمن ۱۴۰۳، ۴ فوریه ۲۰۲۵

تجمع کارگران رسمی نفت در لاوان و چند خبر دیگر

روز هجدهم بهمن ماه کارگران رسمی شاغل در نفت در ادامه اعتراضات خود و به خاطر بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده‌شان تجمع و اعتراض کردند. اهم خواست‌های این کارگران عبارت‌اند از: حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، خارج نمودن فوق‌العاده‌های مناطق عملیاتی از سقف حقوق، اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیات‌های وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

در این روز همچنین کادر درمان بیمارستان شهدای لردگان در ادامه اعتراضاتشان دست به تجمع زدند. بنا بر گزارشات مردم جنوب استان چهارمحال و بختیاری، شهرستان‌های سه گانه لردگان، خان میرزا و فلارد و نزدیک به ۴۰۰ روستا را در بر می گیرد و فقط یک بیمارستان با حداقل امکانات و نیرو به این جمعیت با یک جغرافیای وسیع خدمت‌رسانی می کنند. یک اعتراض کادر درمان به کمبود نیرو و اضافه کاری‌های اجباری و سطح نازل حقوق‌هایشان است. وضعیت نابسامان کاری و معیشتی پرستاران مستقیماً بر کاهش سطح درمان و بهداشت تأثیر می گذارد. از اعتراضات پرستاران و کادر درمان وسیعاً حمایت کنیم.

- روز گذشته کارگران شرکتی شرکت ارتباطات خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود مقابل استانداری تجمع کردند.

- دو روز پیش از این یعنی در تاریخ ۱۶ بهمن بیش از هزار نفر از شهروندان اراکی در اعتراض به مازوت‌سوزی نیروگاه که جان و سلامت مردم را به خطر انداخته است به خیابان آمدند و در پارک ملت این شهر تجمع کردند. در این حرکت اعتراضات مردم معترض شعار می دادند: "اراک رو به زواله، مجلس چه بی‌خیاله" و "وزیر نفت و نیرو استعفا، استعفا"، "مازوت‌سوزی جنایت، سکوت ما خیانت"، و "هوای ما آلوده، مسئول ما آسوده!"

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ بهمن ۱۴۰۳، ۶ فوریه ۲۰۲۵

اعاده دادرسی پرونده پخشان عزیز رد شد!

بنا بر گزارشات منتشر شده و به نقل از امیر رئیسیان وکیل زندانی سیاسی پخشان عزیز شعبه نهم دیوان عالی کشور در حکمی که ششم بهمن ۱۴۰۳ صادر شده و هفده بهمن ابلاغ شده بود، قرار رد اعاده دادرسی در این پرونده را صادر کرده است. امیر رئیسی در واکنش به این مسئله گفت: "ما مجدداً تقاضای اعاده دادرسی جدید طرح خواهیم کرد و بی تردید از طرق دیگر همچون تقاضای اعمال اختیارات رئیس قوه موضوع ماده ۴۷۷ هم چشم‌پوشی نخواهیم کرد."

جمهوری اسلامی با وضعیت بحرانی و اقتصاد فلج و فضای اعتراضی گسترده‌ای در جامعه روبروست و با توسل به اعدام و سرکوب تصور می کند می تواند این فضا را عقب براند. اما کور خوانده است. در برابر این تصمیم جنایت کارانه و در ادامه کارزار قدرتمندی که علیه اعدام‌ها و فرستاده شدن حکم اجرای اعدام پخشان عزیز به دایره اجرایی اعتراضات گسترده‌ای شد و اعتصاب عمومی کردستان جنبش علیه اعدام را وارد فاز دیگری کرد. با قدرت این جنبش باید وسیعاً به حکومت فشار

نگذاریم پخشان عزیزی را اعدام کنند!



دیوان عالی جمهوری اسلامی درخواست اعاده دادرسی پخشان عزیزی، زندانی سیاسی و مددکار اجتماعی محکوم به اعدام را رد کرد. امیر رئیس‌پسین، وکیل وی، اعلام کرد شعبه نهم دیوان عالی ایران با استناد به "ایرادات ماهوی" این درخواست را نپذیرفته است. بار در درخواست اعاده دادرسی، اکنون پخشان عزیزی با خطر قریب‌الوقوع اعدام روبروست.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام همگان را فرامی‌خواند که برای نجات پخشان عزیزی و دیگر محکومین به اعدام وسیعاً دست به اعتراض بزنند و خواهان لغو فوری حکم اعدام وی و همه احکام اعدام در ایران شوند. ما همه را دعوت می‌کنیم که روز سه‌شنبه ۱۳ فوریه هم‌زمان با پنجاه و پنجمین سه‌شنبه‌های نه به اعدام، در کشورهای مختلف دنیا برای نجات پخشان عزیزی و دیگر محکومین به اعدام برنامه‌های اعتراضی سازمان دهند. بیایید تا با اعتراضات هماهنگ و متحدانه چنان فشاری به جمهوری اسلامی بیاوریم که این رژیم جنایت‌کار حکم اعدام پخشان عزیزی را لغو کند.

اعتصاب عمومی در کردستان در اعتراض به اعدام‌ها در ایران و برای نجات پخشان عزیزی و وریشه مرادی که به فراخوان چند حزب سیاسی در سوم بهمن برپا شد پاسخ محکمی به جمهوری بود و نشان داد که مردم خواهان پایان دادن به اعدام‌ها در ایران هستند. این تلاش‌ها و همکاری‌ها همچنان باید ادامه پیدا کند. نباید بگذاریم که جمهوری اسلامی پخشان عزیزی را اعدام کند. باید با مبارزه متحدانه خود در اعتراض به اعدام، این مهم‌ترین ابزار سرکوب حکومت را خنثی کنیم و ضمن دفاع از دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی راه را برای تداوم و تعمیق این انقلاب و پیروزی قطعی آن هموار کنیم.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۱۸ بهمن ۱۴۰۳ - ۶ فوریه ۲۰۲۵

رسول بدایق معلم زندانی آزاد شد
همه معلمان و زندانیان سیاسی باید آزاد شوندCAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN

امروز چهاردهم بهمن‌ماه رسول بدایق عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان اسلام‌شهر، بازرس پیشین کانون صنفی معلمان تهران، معلم زندانی رزمنده بعد از سال‌ها از زندان آزاد شد. آزادی رسول بدایق را به او، به خانواده‌اش، به شورای هماهنگی و به همه معلمان و مردمی که در این سال‌ها کنار خانواده او ایستاده و برای آزادی‌اش تلاش کردند و طومارها امضا کردند، شادباش می‌گوییم.

آزادی رسول بدایق تحت عنوان "قانون آزادی مشروط" انجام گرفت. اما این آزادی در واقع زیر فشار جامعه صورت گرفته و گرنه جمهوری اسلامی تحمل انسان‌های معترضی چون رسول بدایق را ندارد. رسول بدایق پیش‌ازاین بارها به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی خود بازداشت شده و سال‌های طولانی را در زندان سپری کرده است. او در سال ۱۳۹۰ به دلیل همراهی‌اش با اعتراضات معلمان از آموزش و پرورش اخراج شد.

رسول بدایق قبل از این در بیستم آذر ۱۴۰۰ بازداشت شده و پس از ۱۰ روز با تودیع قرار وثیقه آزاد شده بود. در این دستگیری مأموران امنیتی بسیاری از وسائل شخصی این فعال صنفی و همسر او از جمله موبایل و کامپیوتر شخصی او را مصادره کردند. بدایق سپس در فروردین ۱۴۰۱ در دادگاه انقلاب تهران به اتهام "اجتماع و تبانی" به ۴ سال و "فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام" به ۱ سال حبس و به‌عنوان مجازات تکمیلی به ممنوعیت خروج از کشور و منع اقامت در تهران و تمام استان‌های هم‌جوار به مدت ۲ سال محکوم شد. درخواست اعاده دادرسی وی برای اتهامات اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام در اسفند ۱۴۰۲، در دیوان عالی کشور پذیرفته شد. رسول بدایق پیش‌تر از شهریور ۸۸ تا اردیبهشت ۹۵، مدت ۶ سال و ۸ ماه را پیوسته در زندان گذرانده بود. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ضمن شادباش آزادی رسول بدایق بر آزادی بدون قید و شرط معلمان زندانی و فعالان صنفی تأکید کرده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی هم‌صدا با شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان بر آزادی بدون قید و شرط کارگران و معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی تأکید می‌کند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۱۴ بهمن ۱۴۰۳، ۲ فوریه ۲۰۲۵

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com>

جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد!

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹- ۱۲ بهمن ۱۴۰۳

جمعه ۱۹ بهمن

- ماه منیر مولایی‌راد، مادر دادخواه کیان پیرفلک که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی با شلیک گلوله جنایت کاران حکومت اسلامی جان باخت، می‌گوید: " من ماه منیر مولایی‌راد هستم. مادر جاویدنام کیان پیرفلک. بنا به دلایلی مجبورم این پیج که برای زنده نگه داشتن نام و یاد کیان و پویای عزیزم بود و تنها صفحه رسمی بنده می‌باشد را بندهم. " ماه منیر مولایی‌راد صدای رسای جنبش دادخواهی در ایران است. حکومت اسلامی از صدای این عزیزان وحشت دارد. از او حمایت کنیم.

دوشنبه ۱۵ بهمن

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته در شهر اهواز برای پیگیری مطالباتشان در سطح سراسری تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات در شهرهای مختلف با شعاردهی علیه سهام‌داران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می‌کشند.

یکشنبه ۱۴ بهمن

- بازنشستگان تأمین اجتماعی در اهواز و شوش در ادامه یکشنبه‌های اعتراضی سراسری خود، مقابل اداره کل این سازمان در خوزستان تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند.

- بازنشستگان فولاد در اهواز همچون یکشنبه‌های هر هفته در اعتراض به فقر و بی‌تامینی در مقابل مؤسسه صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد تجمع کردند.

جمعه ۱۲ بهمن

- بیش از بیست روز از بازداشت طارق کعبی اهل شهرستان شوش از توابع استان خوزستان و از کارگران هفت‌تپه، توسط نیروهای امنیتی گذشته است و تاکنون اطلاعی از سرنوشتش در دسترس نیست. این موضوع موجب نگرانی خانواده و همکارانش شده است. طارق کعبی روز چهارشنبه ۱۹ دی‌ماه در حال رفتن به محل کارش در شرکت هفت‌تپه در داخل سرویس شرکت توسط مأموران اطلاعات حکومت بازداشت شد.

طارق کعبی، ۲۹ ساله اهل شهرستان شوش و از کارگران شرکت هفت‌تپه می‌باشد. طارق برادر دوزندانی سیاسی ماهر و احمد کعبی است. پیش‌تر ماهر کعبی پس از گذراندن ۱۰ سال حبس از زندان اردبیل آزاد شده بود. احمد کعبی نیز هم اکنون در زندان مرکزی کرمان زندانی است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۹ بهمن ۱۴۰۳، ۷ فوریه ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

- صد و چهارده روز از انتقال معین خنفری، علی مجدم، محمدرضا مقدم و عدنان موسوی، چهار زندانی سیاسی عرب محکوم به اعدام به سلول‌های انفرادی زندان سپیدار اهواز گذشت و این موضوع موجب نگرانی خانواده و دوستان و همگان شده است. احکام اعدام آنها باید فوراً لغو شود. به مجازات شنیع اعدام باید فوراً خاتمه داده شود.

- کارگران و کارکنان شرکتی (ارکان ثالث) نفت و گاز کارون اهواز در شرکت مناطق نفت‌خیز جنوب طی خبری در مدیای اجتماعی از فشار سنگین کاری و کار در ساعات مختلف شبانه‌روز و آن کال بودن و استرس هر لحظه تماس بابت تعمیرات رفع نشتی و اتفاقات سرچاهی خبر می‌دهند. کارگران ارکان ثالث یک بخش بزرگ و معترض شاغل در نفت هستند.

- احمد صگوری، زندانی سیاسی در پی عدم رسیدگی پزشکی در وضعیت نامناسب جسمانی به سر می‌برد. احمد صگوری با ۵ سال حبس در زندان شیبان اهواز به سر می‌برد و علی‌رغم بیماری‌های حاد از مراقبت‌های پزشکی محروم شده و جانش در خطر است. محرومیت از دارو بخشی از شکنجه روحی و جسمی حکومت بر روی زندانیان است. همراه با خانواده‌های زندانیان سیاسی صدای اعتراض خود را علیه این سیاست جنایت کارانه و بازداشت و سرکوبگری‌های حکومت بلند کنیم. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۱۸ بهمن

- سیاست‌های تخریبی محیط زیستی به معضلی معیشتی برای مردم تبدیل شده است. وزش شدید باد که از روز گذشته آغاز شد امروز موجب سقوط درختان بر روی سیم‌های برق و قطعی آن در منطقه امانیه اهواز شد. همچنین خاموشی برق در اهواز و استان خوزستان به یکی از مشکلات مردم و موضوعی داغ تبدیل شده است. با اعلام جدول خاموشی و زمان قطعی برق در اهواز، بسیاری از ساکنان این منطقه با مشکلات جدیدی مواجه شده‌اند.

چهارشنبه ۱۷ بهمن

- کارگران شرکتی شرکت ارتباطات خوزستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود مقابل استانداری تجمع کردند.

- بر اساس اعلام اداره کل آموزش و پرورش خوزستان، فعالیت آموزشی مدارس نوبت صبح در شهرستان‌های اهواز، کارون، باوی، حمیدیه، دشت آزادگان، هویزه، آبادان، شادگان و خرمشهر حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ به پایان خواهد رسید. مازوت‌سوزی، و آلودگی هوا قربانیان زیادی از مردم گرفته و بخشی از جنایت حکومت علیه مردم است. اعتراض علیه آلودگی هوا یک موضوع اعتراضات مردمی است.

سه‌شنبه ۱۶ بهمن

- کارگران قند شوش در ادامه تجمعات چندروزه خود در اعتراض به سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و اخراج شماری از همکارانشان و با مطالبه افزایش حقوقها و بهبود شرایط کاری‌شان دست به تجمع زدند. زیر فشار این اعتراضات در این روز سرپرست فرمانداری شوش با حضور در محل نمازخانه کارخانه وعده پیگیری مطالبات کارگران را داد. اما کارگران خواستار اجرای فوری وعده‌های داده شده هستند. این کارگران چندین سال است که پیگیر این موضوعات بوده و آخرین بار مدیریت وعده اجرای طرح طبقه‌بندی تا فروردین سال جاری را داد بود. اما یازده ماه گذشت و اقدامی صورت نگرفت. بخش دیگری از مطالبات این کارگران مربوط به پرداخت نشدن هزینه یک وعده غذا در کارخانه است که جزو حقوق آنها بوده است. کارگرانی می‌گویند دستمزد و مزایای آنها در مقایسه با دیگر کارگران شرکت‌های تولیدی منطقه (که کار مشابه انجام می‌دهند) متفاوت و کمتر است.

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید